



تصویری آماری از وضعیت زنان و مردان در بخش غیررسمی

مترجم: نادر طالبی پور

لیسانس اقتصاد

پیشگفتار

هدف این گزارش آرایه تصویری آماری از بخش غیررسمی و استفاده از داده‌های موجود در جهان است. آمارها و شاخص‌های آرایه شده در این مقاله برای درک بهتر کاربران در مورد اندازه، اجزاء و ویژگی‌های بخش غیررسمی طراحی شده است. چنین اطلاعاتی در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و بین‌المللی جهت ارتقاء شرایط مناسب کار و همچنین مشارکت در رفع فقر ضروری است.

آمارهای آرایه شده در گزارش براساس یک چارچوب مفهومی جدید برای اقتصاد غیررسمی که در گزارش «کار شایسته» و مباحث عمومی نود و دومین نشست کنفرانس سازمان بین‌المللی کار (ژوئن ۲۰۰۲- در ژنو) پیشنهاد شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه تجزیه و تحلیل آمارها و تحلیل‌های سیاستی آرایه شده در مطالعه نمونه‌ای به‌ویژه در سه کشور، همچنین استفاده از عناصر اصلی این چارچوب در بررسی‌های اخیر را نشان می‌دهد. به‌هرحال، این گزارش نیز به وضوح نشان می‌دهد که برای توسعه و هماهنگ نمودن آمارها در همه زمینه‌های اشتغال بخش غیررسمی نیاز به انجام کارهای زیاد است.

گزارش زنان، مردان در اقتصاد غیررسمی توسط گروهی از مشاوران نوشته شده که با اعضای موظف و گروهی سازمان بین‌المللی کار، مسوول تهیه گزارش کار شایسته و اقتصاد رسمی بوده‌اند. مولفین و مدیران همکار پروژه که آن را آرایه نمودند عبارتند از:

- *Martha chen*، دانشگاه هاروارد،
Joann Vanek که اخیراً از بخش آمارهای ملل متحد استخدام شده اند.
- *Jacques charms* و دانشگاه ورسایل
Versaile اطلاعات بین‌المللی درخصوص اشتغال و سهم اقتصاد غیررسمی را تهیه نمودند.
- *Margarita Guerrero* و موسسه آماری ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه مشورت‌های آماری را در همه ابعاد پروژه از جمله طراحی جداول و تهیه جداول نهایی را آرایه نموده اند.
- *Froncois carre* و موسسه مطالعات پیشرفته رادکلیف و موسسه تکنولوژی ماساچوست گزارش کار غیراستاندارد در کشورهای توسعه یافته را مهیا نمودند.

- *Debbie Budlender*، انجمن آژانس‌های بررسی‌های اجتماعی و *Noziph peter* و *shabala* آمارهای آفریقای جنوبی، آقای *Rodrigo Negrete* و موسسه ملی آمارها، ژئوگرافی و اطلاعات هند، *Mercedes pedrero* و دانشگاه ملی و مستقل *Jeemol unni* و موسسه تحقیق و توسعه گوجارات (هند) مطالعات کشوری را آماده نمودند.

- مشاور فنی مطالعه را *Ralf Hussmanns*, *Richard Anker*, *Adriana mata* و *Eivind Hoffmann* از سازمان بین‌المللی کار، *Groce Bediako* از بخش آمارهای سازمان ملل متحد، دانشگاه‌ها روارد و دستیاری مدیریتی را *Sasithron* و *santiwongsakul* آرایه نمودند این گزارش با نظارت *Lin lean* و برنامه ارتقاء جنسیتی تامین مالی و تهیه شده است.

یافته‌های اصلی

• اندازه اقتصاد غیر رسمی

اشتغال غیر رسمی در کشورهای درحال توسعه ۳۷/۵ درصد اشتغال بخش غیر کشاورزی را شامل می‌شود به‌ویژه آنکه سهم اشتغال غیر رسمی

اشتغال کشورهای عضو اتحادیه اروپا را کارموقت تشکیل می‌دهد. در مورد سایر مقوله‌های اشتغال مزدبگیری غیر استاندارد که حتی ماهیتاً به نظر غیررسمی می‌رسند همانند کار قراردادی، کارهای صنعتی که خارج از واحدهای صنعتی انجام می‌شود، و کارهایی که انجام آنها اتفاقی است داده‌های آماری قابل مقایسه ای وجود ندارد.

کارگران خانگی و دستفروشان دو مورد از عمده‌ترین زیر گروه‌های نیروی کار غیررسمی هستند که کارگران خانگی بیشترین تعداد و دستفروشان محسوس تر از آن می‌باشند.

آمارهای تخمینی نشان می‌دهد که ۱۰ الی ۲۵ درصد نیروی کار غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه و بیش از ۵ درصد کل نیروی کار کشورهای توسعه یافته را کارگران خانگی و دستفروشان تشکیل می‌دهد.

مردان و زنان در اقتصاد غیررسمی

در کشورهای در حال توسعه بخش غیررسمی عموماً خواستگاه وسیعی برای اشتغال زنان در مقایسه با مردان است. در سایر کشورهای شمال آفریقا که ۴۳ درصد کارگران زن در بخش غیررسمی اشتغال دارند، ۶۰ درصد از آنان یا بیشتر در فعالیت‌های غیرکشاورزی بخش غیررسمی شاغل هستند. در صحرای آفریقا ۸۴ درصد کارگران غیرکشاورزی در بخش غیررسمی اشتغال دارند و این نسبت در میان مردان ۶۳ درصد است. در آمریکای لاتین نسبت اشتغال زنان در فعالیت‌های غیرکشاورزی بخش غیررسمی ۵۸ درصد در مقایسه با نسبت ۴۸ درصدی مردان است. در آسیا سهم زنان و مردان شاغل در فعالیت‌های غیرکشاورزی بخش غیررسمی برابر است.

اگر چه نرخ مشارکت زنان کمتر از مردان است اما در بسیاری از کشورهای توسعه یافته زنان بیشترین کارگران پاره وقت هستند. به موجب داده‌های آماری سال ۱۹۹۸ سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در کشورهای عضو این سازمان حدود ۶۰ درصد کارگران پاره وقت را زنان تشکیل می‌دهند. سهم زنان در

درصد شمال آفریقا، ۶۰ درصد در آمریکای لاتین و ۵۹ درصد اشتغال غیر رسمی در آسیا را خود اشتغالی تشکیل می‌دهد. به استثناء آفریقای جنوبی که سیاه پوستان از داشتن شغل در دوران آپارتاید منع می‌شدند و صرفاً در سال‌های اخیر به رسمیت شناخته شده و در آمارها منظور می‌شوند، سهم خود اشتغالی در اشتغال غیر رسمی تا ۸۱ درصد در صحرای آفریقا افزایش یافته است.

خود اشتغالی نزدیک به ۳۳/۳ درصد کل اشتغال غیر کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد. این نوع اشتغال در کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از اهمیت کمتری برخوردار است (۱۲ درصد اشتغال غیرکشاورزی). در کشورهای در حال توسعه صحرای آفریقا ۳۲ درصد اشتغال غیر کشاورزی را خود اشتغالی تشکیل می‌دهد.

اشتغال مزد بگیری بخش غیررسمی در جهان در حال توسعه نیز حایز اهمیت است: ۳۰ تا ۴۰ درصد اشتغال غیررسمی فعالیت‌های غیر کشاورزی را شاغلین مزدبگیر تشکیل می‌دهد. اشتغال مزد بگیری غیررسمی، کارکنان کارگاه‌های غیررسمی همچنین کارگران مزدبگیر غیر رسمی که در کارگاه‌های رسمی کار می‌کنند و کارکنان مشاغل خانگی، یا کسانی که کارفرمای مشخصی ندارند را دربر می‌گیرد. این نوع شاغلین، کارگران روز مزد اتفاقی، کارگران مشاغل خانگی، کارگرانی که بخشی از کار صنعتی را در خانه انجام می‌دهند، کارگران پنهان، کارگران پاره وقت و نیمه وقت را شامل می‌شوند که فاقد قراردادهای کار ایمن و مزایای کارگری یا حمایت اجتماعی هستند.

اشتغال مزدبگیری غیر استاندارد (خوداشتغالی، کارموقت و کار پاره وقت) عمدتاً غیررسمی هستند و در کشورهای در حال توسعه اهمیت زیادی دارند. در سال ۱۹۹۸ کار پاره‌وقت ۱۴ درصد کل اشتغال کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) و بیش از ۲۰ درصد کل اشتغال هشت کشور عضو این سازمان را به خود اختصاص می‌داد. ۱۱ درصد

از اشتغال غیر کشاورزی در شمال آفریقا ۴۸ درصد، در آمریکای لاتین ۵۱ درصد، در آسیا ۶۵ درصد، و در صحرای آفریقا ۷۲ درصد بوده است. سهم اشتغال غیررسمی در صحرای آفریقا بدون احتساب آفریقای جنوبی تا ۷۸ درصد افزایش می‌یابد. اگر داده‌های مربوط به سایر کشورهای جنوب آسیا در دسترس بودند متوسط سهم منطقه ای آسیا احتمالاً خیلی بیشتر خواهد بود.

برخی از کشورها در برآوردهای آماری خود، شاغلین غیر رسمی بخش غیر کشاورزی را منظور می‌کنند. در این کشورها احتساب شاغلین غیر رسمی فعالیت‌های غیر کشاورزی عمدتاً سهم اشتغال غیر رسمی از کل اشتغال را افزایش می‌دهد. به طوری که این افزایش از ۸۳ درصد به ۹۳ درصد کل اشتغال در کشور هند، از ۵۵ درصد به ۶۲ درصد در مکزیک و از ۲۸ درصد به ۳۴ درصد در آفریقای جنوبی می‌رسد

خود اشتغالی، کار پاره وقت و کار موقت سه مقوله از کار غیر استاندارد هستند که ۳۰ درصد کل اشتغال در ۱۵ کشور اروپایی و ۲۵ درصد کل اشتغال آمریکا را شامل می‌گردد. اگر چه همه افراد خود اشتغال و کارگران پاره وقت و موقت بطور غیررسمی اشتغال بکار ندارند در هر صورت بخش عمده‌ای از آنان مزایا یا حمایت‌های اندکی را دریافت می‌کنند. بطور مثال در آمریکا کمتر از ۲۰ درصد کارگران پاره وقت از بیمه درمانی یا بازنشستگی عهده کارفرما برخوردارند.

• اجزاء اقتصاد غیر رسمی

اشتغال غیر رسمی هم افراد خود اشتغال در کارگاه‌های غیر رسمی (کارگاه‌های کوچک یا ثبت نشده) و هم شاغلین مزدبگیر در مشاغل غیر رسمی (فاقد قرارداد ایمن، مزایای کارگری، یا حمایت اجتماعی) را شامل می‌گردد.

در بسیاری از مناطق در حال توسعه، خود اشتغالی در مقایسه با اشتغال مزدبگیری سهم بیشتری از اشتغال غیررسمی (در فعالیت‌های غیر کشاورزی) را شامل می‌گردد. به‌ویژه آنکه ۷۰ درصد اشتغال غیر رسمی صحرای آفریقا، ۶۲

کارهای پاره وقت برای کشورهای خاصی مانند سوئد ۹۸ درصد، انگلستان ۸۰ درصد، ژاپن و ایالات متحده آمریکا ۶۸ درصد بوده است.

اقتصاد غیررسمی

کارگران غیررسمی

دستفروشان در مکزیک، دستفروشان اربابان در نیویورک، فروشندگان روی کالسکه در کال کوتا، فروشندگان وانت بار در مانیل، جمع‌آوری کنندگان زباله در گوبوتا و آرایشگران کنار جاده در دوربان آفریقای جنوبی و آندسته از افرادی که در خیابان‌ها یا در فضای باز کار می‌کنند گروه‌های حرفه‌ای نمایان‌تری در اقتصاد غیررسمی هستند.

خیابان‌های شهرها، شهرک‌ها و روستاها در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته توسط آرایشگرها، پنبه دوزان، جمع‌آوری کنندگان زباله و ضایعات، دستفروشان، میوه، سبزی، گوشت، ماهی، غذاهای سرپایی و تعداد بیشماری از اقلام و کالاهای فاسد نشدنی که برای شستشو و گندزدایی از قلاب‌ها آویزان هستند صف‌آرایی کرده‌اند. باربران روی سر، ارباب‌رانها، دستفروشان روی دوچرخه، فروشندگان روی کالسکه، و شتر، گوساله یا ارباب‌رانهای اسبی تنه می‌زنند تا راهشان را از مسیرهای باریک روستایی یا از میان ازدحام اتومبیل‌ها، کامیون‌ها، وانت‌ها و اتوبوس‌ها در خیابان‌های شهر پیدا کنند.

اما اقتصاد غیررسمی، فعالیت‌ها و کارگرانی که کمتر محسوس و حتی نامحسوس هستند را نیز در بر می‌گیرد. کارگران غیررسمی کم محسوس در مغازه‌ها و کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند. در گوشه و کنار اکثر شهرها، شهرک‌ها و روستاها و در فضاهای استقرار کیوسک‌های کوچک یا غرفه‌هایی که کالاهای متنوع و بیشماری را می‌فروشند. در مسیرهای شلوغ بیشتر شهرها، شهرک‌ها و روستاها کارگاه‌هایی وجود دارند که دوچرخه‌ها و موتورسیکلت‌ها، آهن قراضه‌های ضایعاتی، اسباب و اثاثیه و ابزار فلزی را می‌سازند، کفش‌های دست دوز و

چرم‌های دباغی شده، پارچه‌های چاپی و رنگارنگ بافته شده، الماس‌های براق و سایر جواهرات، لباس‌های گلدوزی شده، پارچه و ضایعات فلزی و کاغذی و دیگر کالاها را تفکیک کرده و می‌فروشند.

کارگران غیررسمی بسیار نامحسوس که اکثر آنان را زنان تشکیل می‌دهند کالاهایی را از منازل خریداری و یا تولید می‌کنند، تولیدکنندگان پوشاک، گلدوزی کنندگان، نوردکنندگان چوب سیگار پیچی‌ها، تولیدکنندگان کیسه‌های کاغذی، بادبادک سازان، تولید کنندگان روبان مو، تولیدکنندگان غذایی و غیره از این موارد هستند.

این نوع کارگران فقط به کشورهای در حال توسعه محدود نمی‌شوند، کارگران خانوادگی در سرتاسر جهان شامل کارگران پوشاک دوز در تورنتو، گلدوزی کنندگان در جزیره مدیرا، تولیدکنندگان کفش در مادرید، و مونتاژکنندگان قطعات الکترونیکی در لیدز یافت می‌شوند. برخی از کارگران خانوادگی برای خود و به حساب خود کار می‌کنند در عین حال برخی نیز به صورت روزمزدی برای یک پیمانکار یا شرکت کار می‌کنند.

سایر مقوله‌های کار غیررسمی در کشورهای در حال و توسعه یافته مشترک هستند: نظیر کارگرانی که بطور اتفاقی در رستوران‌ها و هتل‌ها کار پیدا می‌کنند. سرایداران و نگهبانان قراردادی، کارگران اتفاقی یا روز کار در فعالیت‌های راهسازی و کشاورزی، کارگران روزمزد در مشاغل سخت کارگاهی دستیاران موقت اداری یا پردازشگران اطلاعاتی شاغل در خارج از سایت که بیشتر آنان بدون داشتن قراردادهای مطمئن یا مزایای کارگری و حمایت‌های اجتماعی بطور غیررسمی اشتغال بکار دارند.

شرایط کاری و سطح دستمزدها در بین کسانی که در میان زباله‌های خیابان یا البسه و کاغذ کهنه و مندرس جستجو می‌کنند با کسانی که طبق قراردادهای پیمانکاری با سایر منازل پوشاک تولید می‌کنند و کسانی که دستفروشی می‌کنند و افرادی که بطور موقت به عنوان

پردازشگران اطلاعاتی کار می‌کنند بسیار متفاوت است. حتی در کشورهایی که اقتصاد غیر رسمی بر حسب محل کار، بخش اقتصادی و وضعیت اشتغال بر حسب گروه‌های اجتماعی و جنسی کاملاً از یکدیگر تفکیک می‌شوند. اما اکثر کارگران اقتصاد غیر رسمی در یک مورد یعنی نداشتن کار رسمی و حمایت اجتماعی با یکدیگر مشترک هستند.

بخش غیررسمی (کشف بخش غیررسمی)

در خلال دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ این امر کاملاً پذیرفته شده بود که با ترکیب صحیح سیاست‌های اقتصادی و منابع، اقتصادهای فقیر سنتی به اقتصاد مدرن پویا تبدیل می‌شوند. در این فرآیند بخشی سنتی متشکل از تجار جزء، تولید کنندگان کوچک و یک سری مشاغل اتفاقی در اقتصاد سرمایه داری مدرن (یا اقتصاد رسمی) جذب شده و به همین علت از بین می‌روند. با بازسازی اروپا و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و گسترش تولید انبوه در اروپا و آمریکای شمالی در سال‌های دهه ۱۹۵۰ این دورنما تقویت می‌شد. بهر حال در اواسط دهه ۱۹۶۰ با به حداقل رسیدن چشم اندازهای رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه برای مواجهه با دغدغه‌های بیکاری وسیع و مزمن، راهکارهایی ارایه می‌گردید.

در واکنش به این دغدغه سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۲ مجموعه‌ای از ماموریت‌های چند منظوره را برای کشورهای متفاوت در زمینه اشتغال به اجرا گذاشت.

به واسطه زمینه کاری و گزارش رسمی ماموریت اشتغال کنیا، این امر پذیرفته شد که نمی‌بایست بر بخش سنتی یا فشاری نمود اما برای شمول کارگاه‌های مفید و کارآمد همچنین فعالیت‌های جانبی آن، این بخش باید توسعه یابد. برای برجسته قلمداد کردن این واقعیت ماموریت کنیا انتخاب شد تا اصطلاح «بخش غیر رسمی» در برابر بخش سنتی برای یک رشته از فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس کوچک و ثبت نشده مورد استفاده قرار گیرد. این

اصطلاح پیش از مطالعه سال ۱۹۷۱ توسط اقتصاد دان انگلیسی آقای کیث هارت در غنا ابداع نشده بود:

مباحثات مربوط به بخش غیر رسمی

اگر چه آقای کیث هارت و تیم او در ماموریت به کنیا بدون توجه به کارایی، خلاقیت، و انعطاف پذیری در مورد بخش غیر رسمی تیم مثبتی بودند. اما مفهوم بخش غیر رسمی بررسی پیچیده‌ای را در ادوار توسعه بخود گرفته بود. بسیاری از ناظرین به این اندیشه صحنه گذاردند که بخش غیر رسمی بخش حاشیه‌ای و پیرامونی بوده و به بخش رسمی یا توسعه سرمایه‌داری مدرن ارتباط ندارند. برخی از این ناظرین بر این باورند که بخش رسمی در کنیا، غنا و سایر کشورهای در حال توسعه به یکباره با نیل این کشورها به سطوح رشد اقتصادی کافی با توسعه صنعتی مدرن از بین می‌رفتند. سایر ناظرین این بحث را داشتند که ممکن است توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته الگوی گوناگونی حاوی توسعه فعالیت‌های اقتصاد غیر رسمی در بر داشته باشد.

تا دهه ۱۹۸۰ کانون مباحثات بخش غیررسمی توسعه یافت تا تغییراتی را در برگیرد که در اقتصادهای سرمایه داری پیشرفته رخ می‌داد. هم در آمریکای شمالی و هم در اروپا، تولید در واحدهای اقتصادی کوچک، غیر متمرکز و منعطف‌تر بطور چشمگیری به رسمیت شناخته شد. تولید انبوه برای انعطاف پذیر کردن تخصص یا بازگشت به روش‌های سخت کارگاهی راهکارهایی را ارایه می‌نمود. الگوهای جدید توسعه سرمایه داری به غیررسمی کردن مناسبات اشتغال و تبدیل مشاغل استاندارد به مشاغل غیر استاندارد یا مشاغل غیر معمول با دستمزدهای ساعتی اما با مزایای اندک یا مشاغل کارمزدی فاقد مزایا- و تبدیل پیمانکاری‌های فرعی تولید کالاها و خدمات به واحدهای اقتصادی کوچک و خویش فرمایان صنعتی مربوط می‌شوند.

در این فرآیندها اقتصاد غیر رسمی یک وجه دایمی از توسعه سرمایه‌داری اگر چه تابع یا مستقل می‌باشد.

در عین حال در دهه ۱۹۸۰ بحران اقتصادی در آمریکای لاتین به برجسته کردن وجه دیگر اقتصاد غیررسمی کمک کرد یعنی در طول دوره‌های بحران اقتصادی آسیا طی یک دهه یا بیشتر، میلیون‌ها نفر که مشاغل رسمی خود را در کشورهای بهره‌ای آسیایی پیشین از دست داده بودند سعی کردند مشاغلی را در بخش غیررسمی پیدا کنند یا ایجاد نمایند. ضمناً تعدیل ساختاری در آفریقا و اقتصادهای در حال گذر اتحادیه شوروی سابق و اروپای مرکزی و شرقی نیز با گسترش اشتغال در بخش غیررسمی همراه بود. چرا اشتغال در بخش غیر رسمی در خلال دوره‌های تعدیل اقتصادی یا گذار به توسعه منجر می‌شود؟ هنگامی که شرکت‌های خصوصی یا کارگاه‌های دولتی کوچک می‌شوند یا بسته می‌شوند کارگران اخراجی که مشاغل رسمی جایگزین را پیدا نمی‌کنند ناچارند برای کار به بخش غیررسمی رجوع کنند زیرا آنها نمی‌توانند به طور آشکار بیکار بمانند. همچنین در واکنش به تورم یا کاهش خدمات عمومی، خانواده‌ها اغلب نیاز به تکمیل درآمدهای حاصل شده از بخش‌های رسمی و غیررسمی دارند.

در خلال دهه ۱۹۹۰، جهانی شدن اقتصاد به غیر رسمی شدن نیروی کار در بسیاری از صنایع و کشورها کمک کرد. در حقیقت جهانی شدن مشاغل جدید و بازارهای جدید ایجاد می‌کند شواهد موجود دلالت بر این دارند که نه تنها همه مشاغل خوب هستند و این که تولیدکنندگانی که بیشترین زیان را دیده‌اند قادر به متوقف کردن فرصت‌ها در بازارهای جدید نمی‌باشند. علت این امر این است که رقابت جهانی از طریق ترغیب شرکت‌های رسمی به استخدام کارگران با دستمزدهای پایین و مزایای اندک یا انعقاد قرارداد فرعی (با منبع خارجی) برای تولید کالاها و خدمات، روابط و مناسبات اشتغال را از بین می‌برد و یکپارچگی جهانی، رقابت پذیری بسیاری از شرکت‌های غیررسمی

یا تولیدکنندگان خود اشتغال را در برابر کالاهای وارداتی (در بازارهای داخلی) و شرکت‌های رسمی‌تر و بزرگتر (در بازارهای صادراتی) را کاهش می‌دهد.

آمارهای بخش غیررسمی

در کنفرانس سال ۱۹۹۱ سازمان بین‌المللی کار بخش غیررسمی عنوان مباحثات سه جانبه بود. این نخستین بار بود که بخش غیررسمی به عنوان یک دستور کار اصلی در یک کنفرانس بین‌المللی نمایان می‌شد. مذاکره سه جانبه سال ۱۹۹۱ علاقه رو به رشد در آمارهای بخش غیررسمی در درون دفتر آمارهای ILO و در میان متخصصین آمار و عضو کنفرانس سازمان بین‌المللی کار (ICLS)^۳ را تقویت می‌نمود. در سال ۱۹۹۲ دفتر آمارهای سازمان بین‌المللی کار گزارشی را در زمینه آمارهای اشتغال بخش غیررسمی به عنوان مبنای بحث در کنفرانس بین‌المللی آمارشناسان کار (ICS) که در سال ۱۹۹۳ برگزار می‌شد تهیه نمود. پس از تصویب «تعریف آمارهای بین‌المللی بخش غیررسمی» توسط کنفرانس، حساب‌های ملی نظام بین‌المللی مورد تجدید نظر قرار گرفته و بر اساس این تعریف، تنظیم و لحاظ گردید. به منظور سازگار نمودن این تعاریف با چارچوب نظام حساب‌های ملی و تدارک حساب جداگانه‌ای برای تولید ناخالص ملی بخش غیررسمی (GDP)^۴، این تعریف به جای روابط اشتغال براساس واحدهای تولیدی یا کارگاهی استوار شد.

کنفرانس آمارشناسان سازمان بین‌المللی کار (ICLS) در سال ۱۹۹۳ بخش غیررسمی را به عنوان کارگاه‌های ثبت نشده یا ناهمگن تحت اندازه معین شامل صاحبان کارگاه‌های کوچک بخش غیررسمی که یک نفر یا بیشتر را بطور مستمر به استخدام در می‌آورند؛ و کارگاه‌های انفرادی که به حساب خود کار می‌کنند همچنین کارگران خانوادگی و مستخدمین کمکی که بر حسب مورد به کار گرفته می‌شوند را شامل می‌گردد (به تعریف سال ۱۹۹۳ آمارشناسان

کنفرانس ILO در مورد بخش غیررسمی توجه شود).

به‌هرحال کنفرانس آمارشناسان کار نیز بر این موضوع صحنه گذاردند که یک تعریف کارگاهی کلیه ابعاد اشتغال غیررسمی را در بر نمی‌گیرد. این کنفرانس توصیه نمود ابعاد غیررسمی بودن اشتغال محور کارآئی قرار گیرد.

اقتصادی غیررسمی

مفهوم اقتصاد غیررسمی از هنگام کشف آن در آفریقا در اواخر سال‌های دهه ۱۹۷۰ تاکنون مورد بحث و مذاکره بوده است. با این وجود کاربرد این مفهوم توسط بسیاری از سیاستگذاران، حامیان و مدافعین کار و محققین ادامه دارد زیرا در واقع این مفهوم در جستجوی کسب سهم وسیعتری از نیروی کار جهانی است که خارج از اشتغال تمام وقت، و اشتغال باثبات و حمایت شده جهانی قرار دارد. (استمرار کاربرد این مفهوم حایز اهمیت بوده و احتمالاً در طی زمان در حال افزایش بوده است). در حال حاضر در قراردادهای کار غیررسمی نفع احیاء شده‌ای وجود دارد. این نفع کنونی از این واقعیت جلوگیری می‌کند که نه تنها برقراردادهای کار غیررسمی پافشاری شده و توسعه یافته اند بلکه در مکان‌های پنهان و غیر مترقبه نمایان شده اند.

اصطلاح جدید و مفهوم توسعه یافته اقتصاد غیررسمی

در سال‌های اخیر، برخی از سیاستگذاران، فعالین و محققین، هم در داخل و هم خارج از ILO استفاده از اصطلاح اقتصاد غیررسمی برای مفهوم گسترده‌ای از انواع اشتغال غیررسمی را شروع کرده‌اند تا انواع معینی از اشتغال غیررسمی که مشمول تعریف آمارهای بین‌المللی سال ۱۹۹۳ از بخش غیررسمی نمی‌شود یکسان گردد. آنها در جستجوی یکسان سازی کل مفهوم رسمی بودن هستند که هم کارگاه‌ها و هم روابط اشتغال را در برگیرد همانگونه که در اقتصادهای

توسعه یافته، در حال گذر و در حال توسعه آشکار است.

این انتقال به سوی مفهومی گسترده از اقتصاد غیررسمی، تفکر جدیدی از اقتصاد غیررسمی را در مورد برخی از فرضیات کلیدی «موسوم به بخش غیررسمی» را منعکس می‌سازد.

کسانی که در داخل و خارج از سازمان بین‌المللی کار در این عرصه (تفکر جدید) وارد می‌شوند در جستجوی یکسان نمودن پویایی‌های جهان واقعی در بازارهای کار عصر حاضر به‌ویژه ترتیبات اشتغال در مورد کارگران کم درآمد هستند. عوامل کلیدی چارچوب پیشنهادی به شرح زیر است.

چه چیزی اقتصاد رسمی نیست

از نظر تاریخی بخش غیررسمی تا حد زیادی در برابر بخش رسمی تعریف می‌شود همینطور کل مجموع درآمدهای اکتسابی در فعالیت‌های خارج از کارگاه‌های قانونی و روابط اشتغال اما این تعریف باید خیلی جامع باشد. همان گونه که در اینجا تعریف و بکاربرده می‌شود» اقتصاد غیررسمی بواسطه موارد زیر شناخته می‌شود.

• اقتصاد رسمی:

بموجب این تعریف چنین استنباط می‌شود که اقتصاد غیررسمی خارج از دنیای مقررات، اشتغال حمایت شده و با ثبات و کارگاهی که براساس مقررات قانونی ایجاد شده‌اند قرار داد.

• اقتصاد جزایی یا کیفی:

اقتصاد غیررسمی نباید با اقتصاد کیفی اشتباه گرفته شود یا تلفیق گردد. تا هنگامی که تولید یا ترتیبات اشتغال در اقتصاد غیررسمی اغلب غیرقانونی یا تاحدی قانونی باشند اقتصاد غیررسمی کالاها و خدمات قانونی را تولید و توزیع می‌کند در مقابل در اقتصاد کیفی، کالاها و خدمات غیرقانونی مورد داد و ستد قرار می‌گیرد.

• **اقتصاد مراقبتی یا وابسته به تولید مجدد**
این نوع اقتصاد شامل فعالیت‌های پرستاری و کارهای خانگی بدون پرداخت مزد است. همچنین بخشی از اقتصاد غیررسمی هم نیست. علت آن است که اقتصاد غیررسمی به عنوان بخشی از اقتصاد بازار یعنی عرضه کالاها و خدمات تولیدی برای فروش یا برخی دیگر از اشکال مزدی تعریف می‌شود.

اقتصاد غیررسمی چیست

در این چارچوب توسعه یافته از نظر مفهومی، اقتصاد غیررسمی به نظر می‌رسد همانند ترکیبی از اشتغال غیررسمی (بدون قراردادهای امن، منافع کارگری یا حمایت اجتماعی) هم در درون و هم خارج از کارگاه‌های غیررسمی باشد. (به پانوشت چارچوب مفهومی اقتصاد غیررسمی رجوع شود)

- اشتغال غیررسمی در کارگاه‌های غیررسمی (کارگاه‌های کوچک همسان نشده یا به ثبت نرسیده) شامل کارفرمایان، مستخدمین، متصدیانی که به حساب خود کار می‌کنند و کارگران خانوادگی بدون پرداخت مزد در کارگاه‌های غیررسمی هستند.
- اشتغال غیررسمی خارج از کارگاه‌های غیررسمی (برای کارگاه‌های رسمی، برای کارگاه‌های خانوادگی، یا فاقد کارفرمای ثابت) که کارگران خانوادگی، کارگران روزمزدی یا اتفاقی، کارگران پاره وقت یا موقت، کارگرانی که بخشی از کار واحد صنعتی را در منزل انجام می‌دهند (شامل کارگران خانگی)، و کارگران از قلم افتاده یا اظهارنشده را شامل می‌گردد.

ویژگی‌های اشتغال غیررسمی

تحت این مفهوم گسترده، چنین استنباط می‌شود که اشتغال غیررسمی کلیه کارهای اجرتی (اعم از خوداشتغالی و مزدگیری) را که به رسمیت شناخته نشده و برحسب چارچوب‌های مقرراتی یا قانونی موجود تنظیم نشده یا حمایت نمی‌شوند همچنین کارهای غیرمزدی که در یک کارگاه تولیدی برای کسب درآمد بر عهده گرفته

- کارفرمایان کارگاه‌های غیررسمی که یک نفر یا بیشتر را به صورت مداوم به استخدام در می آورند
- کارفرمایان کارگاه‌های غیررسمی می‌بایست یک یا بیش از یک معیار از جمله اندازه واحد بر مبنای میزان اشتغال مشخص شده، و عدم ثبت کارگاه یا کارکنان آن را به اجرا گذارند.

این چارچوب توسط قطعنامه ICLS پیشنهاد شد و به کشورها اجازه می‌دهد که به اقتضا شرایط خاص با این معیار و تعریف موثر خود را سازگار نمایند. به‌ویژه این‌که انعطاف‌پذیری با در نظر گرفتن محدودیت‌های بیشتر در زمینه اندازه اشتغال، ارایه معیار اضافی مانند به ثبت نرسیدن کارگاه یا شاغلین آن، شمول یا عدم شمول کارکنان شغلی و حرفه‌ای یا خانگی و شمول یا عدم شمول فعالیت‌های کشاورزی جایز شمرده می‌شود.

چرا آمارهای اقتصاد غیررسمی بهبود می‌یابد

قراردادهای کار در حال تغییر در ارتباط با رشد اقتصادی، گذار اقتصادی یا بحران توام با رقابت و یکپارچگی جهانی برای مفهوم بخشی به اقتصاد غیررسمی نه تنها روش‌های جدیدی نیاز دارد بلکه نیازمند شیوه‌های جدیدی برای اندازه‌گیری مقیاس و سهم آن و طبقه‌بندی افرادی است که در این بخش کار می‌کنند. اگر سهم عمده‌ای از کل محصول اقتصادی قابل اندازه‌گیری و قیمت‌گذاری نباشد چگونه می‌توان الگوی اقتصادی را پیشگویی نموده و آن را به اجرا گذاشت یا چنانچه بخش عمده‌ای از کل نیروی کار را بقدر کافی نتوان اندازه‌گیری یا درک نمود چگونه می‌توان رفتار بازار را پیشگویی نموده یا الگویی را ارایه دارد؟ آمارهای کار و حساب‌های ملی نیاز به تحت پوشش قراردادن کل اقتصاد و اندازه‌گیری میزان و سهم آن، به انضمام اقتصاد غیر رسمی دارند. مباحثات کنونی در زمینه فقر تا حد زیادی بر شایستگی‌های انسانی متمرکز است تا نادیده

می‌کنند از این مقوله هستند بطور مثال بسیاری از کارگران پاره وقت، تمام وقت و کارگرانی که بخشی از کار صنعتی محول شده از سوی کارگاه‌های رسمی را بر اساس قرارداد یا توافق‌های پیمانکاری انجام می‌دهند.

تقسیم اقتصاد غیررسمی به بخش‌ها یا اجزاء

اقتصاد غیررسمی رشته وسیعی از کارگاه‌های غیررسمی و مشاغل غیررسمی را شامل می‌شود. علیرغم ناهمگن بودن این کارگاه‌ها، روش هدفمندی برای طبقه‌بندی اجزاء و بخش‌های آن از جمله برحسب نوع واحد اقتصادی و وضعیت اشتغال آنان وجود دارد. کارگاه‌های غیررسمی شامل کارگاه‌های کوچک با یک کارفرما و چندین کارکن، کسب و کارهای خانگی (دارای یک متصدی که مالک کارگاه بوده و بعضاً دارای کارگران خانوادگی بدون پرداخت مزد) هستند.

روابط اشتغال غیررسمی، کارکنان کارگاه‌های غیر رسمی و کارگران خانگی بدون قرارداد قانونی، کارگران روز کار اتفاقی فاقد کارفرمای ثابت و کارگران پاره وقت که از طریق یک موسسه کار پیدا می‌کنند، قطعه کاران صنعتی شرکت‌های رسمی یا غیر رسمی (و رابطین آنها)، و کارگران اظهار نشده را در بر می‌گیرد.

تعریف بخش غیر رسمی مصوب

کنفرانس آمارشناسان سازمان بین‌المللی کار ICLS سال ۱۹۹۳ قطعنامه آمارهای اشتغال در بخش غیر رسمی که توسط پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آمارهای کار^۵ در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید بخش غیررسمی را به شرح زیر تعریف نموده است:

بخش غیر رسمی به عنوان گروهی از کارگاه‌های خانگی یا کارگاه‌های همسان نشده در مالکیت خانواده‌ها اطلاق می‌شود که شامل:

- کارگاه‌های غیررسمی که به حساب خود کار می‌کنند، در این نوع کارگاه‌ها ممکن است کارگران خانوادگی به صورت کمکی به کار گرفته شوند و بطور اتفاقی به استخدام درآیند.

می‌شود را شامل می‌گردد اکثر کارگران غیررسمی (اعم از کارگران مزدبگیر و غیرمزدبگیر) از کار امن و مزایای کارگری، حمایت اجتماعی، و حق نمایندگی یا رای دادن بی بهره اند. افراد خوداشتغال ناگزیرند سرپرستی خود و کارگاه خود را داشته باشند. علاوه بر این آنها اغلب در برابر شرکت‌های رسمی و بزرگتر در بازارهای تولید و سرمایه در وضع نابرابری از نظر رقابتی قرار دارند. کارگران رسمی مزدبگیر نیز ناگزیر هستند به محض آنکه اندک مزایای تضمینی کارفرما را دریافت می‌کنند از خود مراقبت نمایند. علاوه بر این گروه‌هایی که حمایت اجتماعی یا قانونی اندکی دریافت می‌کنند بایستی از خود مراقبت نمایند. به دلایل فوق و سایر عوامل، درصد بیشتری از افرادی که در اقتصاد غیررسمی کار می‌کنند در مقایسه با آندسته از افرادی که در اقتصاد رسمی کار می‌کنند فقیر هستند.

تداوم روابط و مناسبات اقتصادی

از نظر تاریخی، بسیاری از ناظرین، بخش‌های رسمی و غیررسمی را به عنوان بخش‌های اقتصادی مجزایی که ارتباطی با یکدیگر ندارند در نظر می‌گیرند. واقعیت پیچیده تر از این است.

اولاً، مناسبات تولیدی، توزیع و اشتغال احتمال دارد در برخی از نقاط روی زنجیره بین روابط رسمی (یعنی روابط تنظیم شده و حمایتی) در یک قطب و روابط غیررسمی (یعنی روابط تنظیم نشده و حمایتی) در یک قطب و روابط دیگر قرار گیرد. علاوه بر این بخش‌های رسمی تر و غیررسمی تر اقتصاد اغلب با یکدیگر مرتبط می‌شوند. بطور مثال، روابط تولیدی و توزیعی که بسیاری از کارگاه‌های غیررسمی با کارگاه‌های رسمی دارند. نهادهای تولید و کالاهای نهایی یا خدماتی را برای یکدیگر از طریق معاملات مستقیم یا از طریق پیمانکاران فرعی تهیه می‌کنند. همچنین بسیاری از کارگاه‌های رسمی کارگران مزدی را تحت مناسبات اشتغال بخش غیررسمی استخدام

گرفتن نسبی فرصت‌های بازار. چگونه می‌توان بدون داشتن آمارهای بهتری در زمینه منابع و سطوح درآمدی فقر و مخاطراتی که افراد فقیر با آن روبرو هستند. درباره فقر صحبت نمود یا آن‌را درک کرد؟ اگر چه رابطه کاملاً تنگاتنگی بین کار در بخش غیررسمی و فقیر بودن وجود ندارد. علت فقر عدم شمول مقررات قانونی یا حمایت‌های اجتماعی به شاغلین اقتصاد غیررسمی و کمتر بودن متوسط درآمد آنها از درآمد شاغلین بخش رسمی است. به‌رحال بین اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و فقیر بودن یا کار در اقتصاد رسمی رابطه‌ای وجود ندارد و موجب رهایی از فقر نمی‌گردد. در بسیاری از کشورها مدیران کارگاه‌های بزرگ که صاحب کارگاه نیز می‌باشد در مقایسه با کارگران دارای مهارت پایین بطور متوسط درآمد بیشتری را در اقتصاد رسمی کسب می‌نمایند. در اکثر کشورها کارگران زن کمتر از حداقل دستمزدها، مزد دریافت می‌کنند. رابطه بین کار در اقتصاد غیررسمی و فقیر بودن به‌ویژه در فعالیت‌هایی که کمترین بازدهی را دارند در مورد زنان بیش از مردان است.

برای جلب توجه اقتصاددانان و سیاستگذاران درخصوص رابطه بین غیررسمی‌بودن و رشد اقتصادی، نیاز به آمارهایی در زمینه میزان و سهم اقتصاد غیررسمی است. برای جلب نظر سیاستگذاران و دانشگاهیان درخصوص فرصت‌های شغلی و قراردادهای کار به عنوان تعیین کننده های اصلی و کلیدی فقر، به آمارهایی در زمینه ارتباطات بین بخش غیر رسمی، فقر و جنسیت نیز نیاز است.

همکاری بین مصرف کنندگان و تولیدکنندگان آمار برای بهبود آمارهای اقتصاد غیررسمی تحت نظام آماری بین‌المللی که توسط کمیسیون آماری ملل متحد هدایت می‌شود، دفتر بین‌المللی کار مسوولیت استانداردگذاری در ارتباط با جمع آوری آمارهای نیروی کار و تالیف و انتشار آمارهای رسمی نیروی کار در سرتاسر جهان را دارد. به عنوان بخشی از این مسوولیت، دفتر آمارهای ILO نقش راهبردی را در ارائه متدهای در حال تکامل برای جمع‌آوری داده‌های اشتغال در بخش غیررسمی، تالیف و انتشار

آمارهای رسمی در این خصوص و ارایه کمک‌های فنی به دفاتر آمارهای ملی جهت بهبود جمع آوری آمار اشتغال در بخش غیر رسمی ایفاء نموده است. در خلال سال‌های آخر دهه ۱۹۹۰، طرفداران سازمان دادن به کارگران غیررسمی با هدف بهبود آمارهای اقتصاد غیررسمی، همکاری با پژوهشگران و آمار شناسان را آغاز کردند. در تبلیغ سیاست‌های مناسب طرفداران سازماندهی کارگران غیر رسمی به بهبود کل آمارهای اقتصاد غیررسمی همچنین به بهبود آمارها در رشته‌های خاصی از کارگران غیررسمی نیاز دارند. بطور مثال در دهه ۱۹۹۵ انجمن خوداشتغالی زنان در هند (SEWA) و اتحادیه بین‌المللی کارگران خانگی (موسوم به شبکه خانگی) به آمارهایی کارخانگی در سراسر جهان با هدف استفاده از آن کوشش‌های تبلیغاتی خود برای یک مقاله‌نامه بین‌المللی در زمینه کار خانگی نیاز دارند. پژوهشگرانی که از آنان خواسته شده آمارهایی در زمینه کار خانگی جمع‌آوری نمایند دریافت‌اند که فقط هفت کشور در جهان، مراکش، ژاپن و پنج کشور اروپایی، مقاله‌هایی از کارهای خانگی در آمارهای رسمی خود از نیروی کار دارند. به همین دلیل آمارهای غیررسمی بسیار اندکی در دسترس بوده و پژوهشگران اقدام به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های موجود از بررسی‌های کلان انجام شده در سرتاسر جهان نموده اند. آمارهایی که این متخصصین جمع‌آوری نمودند به متقاعد کردن نمایندگان دولت و کارگران در کنفرانس بین‌المللی کار کمک کرد که کارگران خانگی بخش مهمی از نیروی کار به‌ویژه در صنایع کلیدی صادراتی هستند. مقاله‌نامه شماره ۱۷۷ کار خانگی در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید.

در سال ۱۹۹۷، با به رسمیت شناخته شدن اهمیت اقدام شرکت، عملگرایان، پژوهشگران آماری، آمارشناسان و نمایندگان اتحادیه کارگران خانگی (SEWA) و شبکه خانگی، برای تشکیل یک شبکه جهانی موسوم به «زنان در ایجاد اشتغال- جهانی شدن و سازماندهی»

WIEGO^۷ به سایر کارشناسان بخش غیررسمی پیوستند.

یکی از پنج برنامه این شبکه جهانی باید بهبود و توسعه آمارها در زمینه اقتصاد غیررسمی‌باشد. در اجرای این هدف، در این شبکه جهانی، آمارشناسان و محققین بطور تنگاتنگ با سازمان بین‌المللی کار و بخش آمارشناسی بخش غیر رسمی «موسوم به گروه دهلی» کار می‌کنند.

در همان سال (۱۹۹۷) شبکه جهانی موسوم به زنان در ایجاد اشتغال یک پروژه پژوهشی همکاری در زمینه اقتصاد غیر رسمی در هند با شورای ملی پژوهش‌های کاربردی در مسایل اقتصادی (NCAER)^۸ و موسسه تحقیقات توسعه‌ای گوجارات هند را آغاز کردند. در بین سایر مطالعات انجام شده، این پروژه شامل مطالعه‌ای در زمینه میزان و سهم اقتصاد غیررسمی در شهر احمد آباد بود که داده‌های رسمی آن با نتایج یک بررسی نمونه‌ای خاص در این زمینه مورد مقایسه قرار گرفته بود. از طریق این مطالعه به شرایط مطلوب و امکان تسلط بهتر به اقتصاد غیر رسمی در بررسی‌هایی نمونه‌ای ملی متقاعد شدند، دفتر بررسی‌های نمونه‌ای ملی دولت هند (NSSO)^۹ برای کمک به طراحی الگوهای ویژه‌ای جهت اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی شهری و روستایی، محققین اصلی را در مطالعه احمد آباد به خدمت گرفت. این الگوها در بررسی نمونه‌ای دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به اجرا گذاشته شد. یافته‌های این بررسی در مطالعه موردی هند گزارش داده شده است (به فصل ۳ رجوع کنید).

در طول سال‌های آخر دهه ۱۹۹۰ سایر کشورها نیز ابتکارت عمده و جدیدی را برای جمع آوری آمار بخش غیر رسمی و اقتصاد غیررسمی بکار گرفتند. برای مثال کشورهای آفریقای جنوبی و مکزیک همان گونه که مطالعات موردی در فصل ۳ نشان می‌دهد برای گسترش بررسی‌های جدید درخصوص اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی، همکاری بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان آماری به جد

از روش‌های غیرمستقیم برای تخمین اندازه و ترکیب اقتصاد غیررسمی استفاده شده است. فصل اول این گزارش برآوردهای اشتغال در اقتصاد غیررسمی در کشورهای در حال توسعه را براساس روش باقیمانده ارایه می‌کند، همچنین اطلاعاتی را درخصوص خوداشتغالی در سرتاسر جهان به نمایندگی از خوداشتغالی غیررسمی ارایه می‌کند که جزء مهم اشتغال غیررسمی است. بخش دوم این فصل اطلاعاتی درباره مقوله‌های کار غیر استاندارد در کشورهای توسعه یافته به نمایندگی از اشتغال غیررسمی در کشورهای توسعه یافته ارایه می‌کند.

کشورهای در حال توسعه

اشتغال غیررسمی

چارچوب نظری توسعه یافته ای که در خصوص اقتصاد غیررسمی در فصل اول شرح داده شد می‌بایست در فعالیت‌های جمع آوری اطلاعات در سطح ملی و بطور کامل به اجراء درآید. قابل ذکر است که اقدام چند کشور در جمع آوری اطلاعات در سطح ملی، پایه و اساسی را برای روش شناختی بیشتر فراهم می‌کند (به مطالعات کشوری در فصل سوم مراجعه شود). در نبود معیارهای مستقیم از روش‌های غیرمستقیم برآورده های آماری استفاده شده و در این خصوص دو نوع برآورد مهیا گردید.

الف) برآوردهای بعمل آمده در ۲۵ کشور که برآوردی از آمار بخش غیررسمی یا بررسی‌های مختلفی از این بخش ارایه نشده است.

ب) برآوردهای بعمل آمده در ۵ کشور که برآوردی از آمار بخش غیررسمی یا بررسی‌های مختلفی از این بخش ارایه گردیده و به تبع آن از روش‌های غیرمستقیم برآوردهای آماری مبتنی بر بخشی از اطلاعات (به‌ویژه اشتغال غیررسمی در خارج از کارگاه‌های غیررسمی و کل اشتغال غیررسمی) استفاده شده است. براساس اولین مجموعه از برآوردها، در کل نواحی جهان

مهمترین مانع در این خصوص، محدود بودن کشورهایی است که بررسی‌های منظم در زمینه بخش غیررسمی را پذیرفته اند و فقط دو یا سه کشور اطلاعاتی را جمع‌آوری کرده اند که مقادیر اشتغال غیررسمی در خارج از کارگاه‌های غیررسمی را فراهم می‌سازد. محدودیت دیگر در اطلاعات موجود، محدود بودن کشورهایی است که برآوردهایی از سهم بخش غیررسمی از تولید ناخالص داخلی را تدارک دیده اند.

ثانیاً، مشکلاتی وجود دارد که امکان مقایسه داده‌های آماری را در سطح بین‌المللی محدود می‌کند. در تکمیل تعریف آمارهای بین‌المللی درخصوص بخش غیررسمی، کشورها از معیارهای متفاوتی در مورد عدم ثبت کارگاه، اندازه کارگاه یا محل استقرار آن استفاده می‌کنند. اگرچه طبق خط مشی سال ۱۹۹۳ کنفرانس آمارشناسان سازمان بین‌المللی کار (ICLS)، هر کشوری می‌تواند تصمیم بگیرد که چه تعداد از واحدهای به ثبت نرسیده را به آمار بخش غیررسمی اضافه نماید یا چه تعدادی از واحدهای بخش کشاورزی و خدمات خانگی را نیز در آمارهای بخش غیررسمی منظور نماید.

بعلاوه آمار و اطلاعات رسمی از جامعیت برخوردار نیستند. اکثر کشورها بخش کشاورزی را از مقادیر بخش غیررسمی خارج می‌نمایند و برخی از کشورها فقط بخش غیررسمی روستایی را در آمارهای بخش غیررسمی منظور می‌کنند، نهایتاً این‌که اطلاعات رسمی در قالبی استاندارد و جدول‌بندی شده ارایه نمی‌شوند و اغلب مشخص نیست که چه اطلاعاتی در آمار بخش غیررسمی لحاظ گردیده یا در آمار این بخش به حساب نیامده است، همچنین داده‌های آماری در بخش غیررسمی (به استثنای بخش کشاورزی) اغلب با داده‌های آماری کل نیروی کار (که در آن بخش کشاورزی نیز منظور شده است) مورد مقایسه قرار می‌گیرد. این امر موجب می‌شود اهمیت بخش غیررسمی کمتر از واقعیت موجود برآورد گردد.

در این فصل به علت عدم وجود اطلاعات قابل اعتمادی که مستقیماً جمع آوری شده باشد

مورد تشویق قرار گرفت. در مطالعه انجام شده در آفریقای جنوبی، تلاش برای بهبود اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی بخشی از کوشش وسیع‌تر برای توسعه نظام تبعیض آمیز آمارهای ملی گذشته بود. در مطالعه موردی مکزیک تلاش برای بهبود اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی بخشی از کوشش‌های وسیع‌تری بود که اثر موافقتنامه آزادسازی تجاری بر آمریکای شمالی (NAFTA) و ادامه خصوصی سازی اقتصادی را نشان دهد.

در اواخر سال‌های دهه ۱۹۹۷ کمیته آمارشناسی ملل متحد یک گروه کارشناسی در سطح بین‌المللی در زمینه آمارهای بخش غیررسمی موسوم به گروه دهلی تشکیل داد. این گروه که به کمیته «ابتکارات گوناگون ذینفعان از جمله گروه‌های کاربران آماری» برای شرکت در جلسات گروه دهلی دعوت شده بودند. این جلسات اجتماع بین‌المللی مهم را برای بحث و اشاعه نقطه نظرات فراهم نمودند تا مدل‌های ابتکاری و داده‌های جدیدی از این نوآوری‌ها را بروز و به هنگام نماید. در همکاری با سازمان بین‌المللی کار اعضاء گروه دهلی به تجدید نظر در اقتصاد غیررسمی ترغیب شده اند.

این مقاله اقدام مشترک عملگرایان، پژوهشگران و آمارشناسان را در سطح ملی و بین‌المللی برای بهبود آمارهای اقتصاد غیررسمی را بیان می‌کند. کسانی که در تدوین آن کمک نموده اند با یک مبتکر یا بیشتر کار کرده‌اند. برای نخستین بار یافته‌های این پژوهش یا ابتکارات اخیر در یک نشریه جداگانه‌ای ارایه شده است که تصویری آماری از اقتصاد غیررسمی در سراسر جهان را ارایه می‌نماید. به هر حال این فقط آغاز کار است. همان گونه که جزییات آن در فصل چهارم آمده است تلاش و کار بیشتری نیاز است تا داده‌های مورد نیاز سیاست «بهبود بخشیدن به آمار اقتصاد غیر رسمی» فراهم آید.

آمارهای اقتصاد غیررسمی

تدارک آمارهای این فصل در اندازه، ترکیب و سهم اقتصاد غیررسمی کار بسیار مشکلی بود.

در حال توسعه اشتغال غیررسمی نزدیک به نیمی یا بیش از کل اشتغال غیر کشاورزی را نشان می‌دهد. دامنه برآوردها از ۴۸ درصد در آفریقای شمالی، تا ۵۱ درصد از آمریکای لاتین، ۶۵ درصد در آسیا و ۷۲ درصد در صحرای آفریقا قرار دارد (جدول ۲/۱). اگر داده‌های آماری برای کشورهای جنوب آسیا در دسترس باشد، متوسط برآوردها (بدون احتساب هند) برای ناحیه آسیا شاید هنوز هم بیشتر باشد (برای فهرست کردن کشورها در گروه‌های ناحیه‌ای به ضمیمه را مراجعه شود).

فعالیت‌های غیررسمی بخش کشاورزی در برآوردهای اشتغال بخش غیررسمی که در این فصل ارایه گردیده منظور نشده است.

برآورد اشتغال غیررسمی

برخی از کشورها اشتغال در کارگاه‌های غیررسمی را بطور مستقیم اندازه‌گیری می‌کنند و در حال حاضر حدودی از کشورها بخش غیررسمی را بدون احتساب کارگاه‌های غیررسمی اندازه‌گیری می‌کنند. تا محقق شدن جمع‌آوری اطلاعات جدید به روش‌های دیگری برای برآورد اشتغال غیررسمی نیاز خواهد بود. روش موسوم به روش رسوبی (مازاد) روش غیرمستقیمی است که کل اشتغال غیررسمی را و اجزاء اصلی آن را بدون احتساب بخش کشاورزی اندازه‌گیری می‌کند. این روش بر داده‌های آماری منتشر شده موجود که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دسترس است متکی می‌باشد.

داده‌های اصلی که برای این روش برآوردی مورد نیاز است در جداول مبتنی بر روش‌های جمعیتی و بررسی نیروی کار یا سایر بررسی‌های خانوادگی که بخش‌های صنعتی بطور افقی (یعنی کشاورزی، معدن، صنعت، بازرگانی و خدمات) بر حسب وضعیت اشتغال (یعنی کارفرمایان، کارگرانی که به حساب خویش کار

می‌کنند، کارگران خانوادگی، کارگران مزدبگیر) و بر حسب جنس طبقه‌بندی شده‌اند یافت می‌شوند در برخی از این برآوردها فهرست‌بندی و منتشر نمی‌شوند. در نتیجه برآوردهای اقتصاد غیررسمی که از اولین روش مازاد استفاده می‌شود فقط برای ۳۵ کشور و کمتر (یک مجموعه ۲۵ تایی که بر حسب جنس روی هم انباشته شده) قابل انجام است. دومین روش مازاد به داده‌های آماری اضافی در زمینه اشتغال کارگاه‌های غیررسمی نیاز دارد که باید از بررسی‌های خاص بخش غیررسمی یا بررسی‌های مختلط (کارگاهی و خانوادگی) استخراج گردد.

روش مازاد ۱

نقطه شروع باید تعیین اندازه کل نیروی کار غیرکشاورزی باشد. دومین مرحله باید تعیین تعداد شاغلین رسمی در نیروی کار غیرکشاورزی متکی بر یک بررسی کارگاهی، یک سرشماری اقتصادی یا سایر منابع اجرایی باشد که وضعیت قانونی شرکت‌ها را ثبت نماید. آندسته از کارگران مزدبگیری که در بنگاه‌های اقتصادی یا بنگاه‌ها و یا سایر شرکت‌های قانونی ثبت شده کار می‌کنند باید همانند کارکنان رسمی طبقه‌بندی شوند. بطور کلی سرشماری اقتصادی نیروی کار شاغل در نیروهای انتظامی و خدمات شهری را در بر می‌گیرد. بنابراین دستیابی به برآوردی از کارگران بخش دولتی با استفاده دیگر منابع آماری و اضافه نمودن آن به تعداد کارکنان رسمی بسیار ضروری است.

مرحله سوم برآورد کل شاغلین غیررسمی (بدون احتساب بخش کشاورزی) از طریق کم کردن تعداد کارکنان رسمی (حاصل از سرشماری اقتصادی یا بررسی‌های کارگاهی) از کل نیروی کار غیرکشاورزی است. برآورد با استفاده از سرشماری جمعیتی یا بررسی نیروی کار همواره بیش از برآورد از طریق سرشماری اقتصادی یا بررسی کارگاهی است زیرا در سرشماری اقتصادی یا بررسی کارگاهی شاغلین خارج از کارگاه‌های رسمی را شامل نمی‌گردد.

این تفاوت برآورد مازاد از کل شاغلین غیررسمی را نشان می‌دهد.

مرحله چهارم تقسیم کل نیروی کار غیرکشاورزی در حیطه خوداشتغالی و کارکنان مزدبگیر است. این کار می‌تواند از طریق طبقه‌بندی فهرستی از نیروی کار برحسب وضعیت اشتغال (یعنی کارفرمایان، کارگرانی که به حساب خود کار می‌کنند، کارگران خانوادگی و کارگران مزدبگیر) صورت پذیرد. یک برآورد برای کارگران مزدبگیر و برآوردی نیز برای افراد خوداشتغال (کارفرمایان، خویش فرمایان، و کارگران خانوادگی بدون پرداخت مزد) در نیروی کار غیرکشاورزی انجام گیرد.

چنین برآوردی از خوداشتغالان بطور نمونه‌ای برخی از کارکنان فوق حرفه‌ای و کارگران کارگاه‌های به ثبت رسیده را در بر می‌گیرد که کارکنان غیررسمی محسوب نمی‌شوند. این مقوله‌ها در جهان کم و در کشورهای در حال توسعه کمتر و کشورهای توسعه یافته بسیار کمتر فرض می‌شوند.

مرحله پنجم استخراج برآوردی از کارگران مزدبگیر رسمی (بدون احتساب بخش کشاورزی) از طریق کم کردن تعداد افراد خوداشتغال (مرحله چهارم) از کل کارکنان غیررسمی (مازاد حاصل از مرحله سوم) است. این برآورد کارگاه‌های غیررسمی را نیز شامل می‌گردد و در این برآورد شاید برخی از کارگران مزدبگیر پیمانکاری‌ها که خود را خوداشتغال اعلام می‌کنند نیز منظور نشده و به حساب نیایند.

روش مازاد ۲

چنانچه معیار مستقیمی برای برآورد شاغلین (حاصل از بررسی‌های مختلط یا بررسی‌های خاص بخش غیررسمی) در کارگاه‌های غیررسمی وجود داشته باشد، می‌توان از روش دیگر مازاد استفاده نمود. این نوع برآوردها صرفاً در کشورهای هند، کنیا، مکزیک و آفریقای جنوبی در دسترس است. نقطه شروع باید تعیین میزان کل نیروی کار غیرکشاورزی باشد.

نمودار ۲/۱ اشتغال غیررسمی در کارکنان غیرکشاورزی بر حسب جنس ۲۰۰۰-۱۹۹۴

ناحیه/کشور	سهام کارکنان غیررسمی از شاغلین غیرکشاورزی (درصد)	سهام زنان شاغل غیررسمی از زنان شاغل در بخش غیرکشاورزی (درصد)	سهام مردان شاغل غیررسمی از کل مردان شاغل در بخش غیرکشاورزی (درصد)
افریقای شمالی	۴۴۸	۴۳	۴۹
الجزایر	۴۳	۴۱	۴۳
مراکش	۴۵	۴۷	۴۴
تونس	۵۰	۳۹	۵۳
مصر	۵۵	۴۶	۵۷
کشورهای حوزه زیر صحرای افریقا	۷۲	۸۴	۶۳
بنین	۹۳	۹۷	۸۷
چاد	۷۴	۹۵	۶۰
گینه	۷۲	۸۷	۶۶
کینا	۷۲	۸۳	۵۹
افریقای جنوبی	۵۱	۵۸	۴۴
امریکای لاتین	۵۱	۵۸	۴۸
بولیوی	۶۳	۷۴	۵۵
برزیل	۶۰	۶۷	۵۵
شیلی	۳۶	۴۴	۳۱
کلمبیا	۳۸	۴۴	۳۴
کاستاریکا	۴۴	۴۸	۴۲
السالوادور	۵۷	۶۹	۶۹
گوآتمالا	۵۶	۶۹	۴۷
هندوراس	۵۸	۶۵	۷۴
مکزیک	۵۵	۵۵	۵۴
جمهوری دومینکن	۴۸	۵۰	۴۷
ونزوئلا	۴۷	۴۷	۴۷
آسیا	۶۵	۶۵	۶۵
هندوستان	۸۳	۸۶	۸۳
اندونزی	۷۸	۷۷	۷۸
فلیپین	۷۳	۷۲	۷۱
تایلند	۵۱	۵۴	۴۹
سوریه	۴۲	۳۵	۴۳

ماخذ: داده‌های تهیه شده توسط جاکوس چارمس. به جدول برآورد اشتغال غیررسمی مراجعه شود.

دومین گام در این مرحله تعیین تعداد کارکنان رسمی در کل نیروی کار غیرکشاورزی است (همانطور که در فوق اشاره شد)

سومین گام در این مرحله برآورد کل کارکنان غیررسمی (بدون احتساب بخش کشاورزی) از طریق کم کردن تعداد کارکنان رسمی از کل نیروی کار غیرکشاورزی است. (همانگونه که در فوق اشاره شد)

گام چهارم در این مرحله تعیین کل کارکنان در کارگاه‌های غیررسمی است که بر بررسی‌های خاص بخش غیررسمی و بررسی‌های خاص کارگاه‌های مختلط خانوادگی استوار است. در بعضی از کشورها یا صنایع ممکن است تعدادی از کارکنان استاندارد یا رسمی که در کارگاه‌های غیررسمی شاغل هستند در این محاسبه لحاظ گردد. اما این تعداد ناچیز فرض می‌شود. در تعیین کارکنان کارگاه‌های رسمی شاید برخی از شاغلین غیررسمی اظهار نشده در کارگاه‌های غیررسمی منظور نشده و به حساب نیایند. اگر چه این تعداد ممکن است خیلی ناچیز فرض شود توجه به این امر مهم است که هم کارگاه‌های رسمی و هم کارگاه‌های غیررسمی ممکن است تعداد کل کارکنان خود را اظهار نکنند.

پنجمین گام در این مرحله برآورد اشتغال غیررسمی بدون احتساب کارگاه‌های رسمی است. این امر با کم کردن شاغلین برآورد شده در کارگاه‌های غیررسمی از مقدار برآورد شده کل شاغلین غیررسمی (مآزاد حاصل شده در گام دوم) حاصل می‌گردد. مآزاد یا باقی مانده در این مرحله برآوردی از کار غیررسمی با پرداخت مزد در خارج از کارگاه‌های غیررسمی است: یعنی کارهای رسمی برای شرکت‌های رسمی، برای کارگاه‌های خانوادگی، یا مواقعی که کارفرما ثابتی وجود ندارد. همچنین در این برآورد ممکن است برخی از کارگران مزدبگیر در پیمانکاری‌هایی که خود را خود اشتغال معرفی می‌نمایند نیز منظور نشده و به حساب نیایند.

از اینرو فعالیت‌های کشاورزی منبع مهم اشتغال، به‌ویژه برای زنان است، کاهش آن کل

برآورد میزان اقتصاد غیر رسمی را کاهش می‌دهد. برآوردهای اقتصاد غیر رسمی به عنوان یک مقوله مشخص، تفاوت فعالیت‌های رسمی و غیررسمی در بخش کشاورزی و کشاورزی کشور هند، مکزیکو آفریقای جنوبی، در

جدول ۲/۲ مزدگیران و خود اشتغالان در اشتغال غیررسمی بخش غیر کشاورزی برحسب جنس ۲۰۰۰-۱۹۹۴

کشور / ناحیه	سهام خود اشتغالی نسبت به کارکنان غیررسمی بخش غیر کشاورزی (درصد)			سهام شاغلین مزدگیر نسبت به کارکنان غیررسمی بخش غیر کشاورزی (درصد)		
	کل	زنان	مردان	کل	زنان	مردان
آفریقای شمالی	۶۲	۷۲	۶۰	۳۸	۲۸	۴۰
الجزایر	۶۷	۸۱	۶۴	۳۳	۱۹	۳۶
مراکش	۸۱	۸۹	۷۸	۱۹	۱۱	۲۲
تونس	۵۲	۵۱	۵۲	۴۸	۴۹	۴۸
مصر	۵۰	۶۷	۴۷	۵۰	۳۳	۵۳
کشورهای حوزه زیر صحرایی آفریقا	۷۰	۷۱	۷۰	۳۰	۲۹	۳۰
بنین	۹۵	۹۸	۹۱	۵	۲	۹
چاد	۹۳	۹۹	۸۶	۷	۱	۱۴
گینه	۹۵	۹۸	۹۴	۵	۲	۶
کنیا	۴۲	۳۳	۵۵۶	۵۸	۶۷	۴۴
آفریقای جنوبی	۲۵	۲۷	۲۳	۷۵	۷۳	۷۷
آمریکای لاتین	۶۰	۵۸	۶۱	۴۰	۴۲	۳۹
بولیوی	۸۱	۹۱	۷۱	۱۹	۹	۲۹
برزیل	۴۱	۳۲	۵۰	۵۹	۶۸	۵۰
شیلی	۵۲	۳۹	۶۴	۴۸	۶۱	۳۶
کلمبیا	۳۸	۳۶	۴۰	۶۲	۶۴	۶۰
کاستاریکا	۵۵	۴۹	۵۹	۴۵	۵۱	۴۱
السالوادر	۶۵	۷۱	۵۷	۳۵	۲۹	۴۳
گوآتمالا	۶۰	۶۵	۵۵	۴۰	۳۵	۴۵
هندوراس	۷۲	۷۷	۶۵	۲۸	۲۳	۳۵
مکزیک	۵۴	۵۳	۵۴	۴۶	۴۷	۴۶
جمهوری دومینیکن	۷۴	۶۳	۸۰	۲۶	۳۷	۲۰
ونزوئلا	۶۹	۶۶	۷۰	۳۱	۳۴	۳۰
آسیا	۵۹	۶۳	۵۵	۴۱	۳۷	۴۵
هند	۵۲	۵۷	۵۱	۴۸	۴۳	۴۹
اندونزی	۶۳	۷۰	۵۹	۳۷	۳۰	۴۱
فیلیپین	۴۸	۶۳	۳۶	۵۲	۳۷	۶۴
تایلند	۶۶	۶۸	۶۴	۳۴	۳۲	۳۶
سوریه	۶۵	۵۷	۶۷	۳۵	۴۳	۳۳

غیررسمی افزوده شده به آن تمیز و تشخیص داده شده است. هنگامی که شاغلین غیر رسمی بخش کشاورزی در برآورد کارکنان بخش غیررسمی افزوده می‌شود، اهمیت اشتغال غیررسمی افزایش می‌یابد (به موارد سه کشور در فصل ۳ مراجعه شود).

اشتغال غیر رسمی بطور کلی برای زنان در مقایسه با مردان منبع وسعیتی است. در اکثر کشورهای خارج از قلمرو و آفریقای شمالی که داده‌های آماری موجود است سهم زنان کارگر در اشتغال غیررسمی (بدون احتساب بخش کشاورزی) بیش از مردان است. کشورهای هندوراس، اندونزی و سوریه از این امر مستثنی بوده و در این سه کشور و چهار کشور آفریقای شمالی، سهم مردان در اشتغال غیر رسمی بیش از زنان است.

در برخی از کشورهای واقع در زیر حوزه صحرایی آفریقا اکثر زنان شاغل در فعالیت‌های غیر کشاورزی در بخش غیر رسمی هستند - سهم زنان در کشور بین ۹۷ درصد، چاد ۹۵ درصد، گینه ۸۷ درصد و کنیا ۸۳ درصد است. در ۷ کشور از ۱۱ کشور آمریکای لاتین و ۴ کشور از ۶ کشور آسیایی که داده‌های آمار در دسترس است یعنی از زنان شاغل در فعالیت‌های غیر کشاورزی یا بیش از این تعداد در بخش غیر رسمی هستند. این سهم در کشور هند ۸۶ درصد است.

همان گونه که در اولین روش برآورد مازاد (جدول ۲/۲) ارایه گردید اشتغال غیر رسمی از دو جزء خود اشتغالی و اشتغال مزدگیری تشکیل شده است. در کلیه نواحی سهم خوداشتغالی در اشتغال غیر رسمی (بدون احتساب فعالیت‌های کشاورزی) بیش از اشتغال مزدگیری است در کشورهای حوزه زیر صحرایی آفریقا سهم خود اشتغالی ۷۰ درصد، در کشورهای حوزه شمال آفریقا ۶۲ درصد، کشورهای آمریکای لاتین ۶۰ درصد و در کشورهای منطقه آسیا ۵۹ درصد است. علاوه بر این در ۱۹ کشور از ۲۵ کشور سهم خود اشتغالی

ترتیب با ۲۰ درصد و ۱۸ درصد سهم اشتغال زنان در بخش غیررسمی فعالیت‌های غیرکشاورزی حایز اهمیت اما کمتر است.

در کنیا و آفریقای جنوبی، سهم اشتغال غیررسمی زنان در فعالیت‌های غیرکشاورزی بسیار اهمیت دارد. زنان ۷۹ درصد این کارگران را در کنیا و ۶۱ درصد در آفریقای شمالی را تشکیل می‌دهند، همچنین زنان در این دو کشور بیش از ۴۰ درصد کارگران شاغل در کارگاه‌های غیررسمی را شامل می‌شوند. در مکزیک سهم زنان در هر یک از دو جزء اشتغال غیر رسمی (اشتغال در کارگاه‌های غیررسمی و اشتغال مزدبگیری خارج از کارگاه‌های غیررسمی) مساوی است.

در هند سهم زنان در هر یک از دو جزء یکسان است؛ در حالیکه سهم زنان تونس از اشتغال غیررسمی خارج از کارگاه‌های غیر رسمی ۲۲ درصد بوده و از سهم آنان در کارگاه‌های غیر رسمی (۱۵ درصد) بیشتر است.

درصد در آفریقای جنوبی، ۵۵ درصد در مکزیک، ۷۲ درصد در کنیا و ۸۳ درصد در کشور هند) را نشان می‌دهد.

دو جزء اقتصاد غیررسمی (اشتغال در کارگاه‌های غیررسمی و اشتغال مزدبگیری در خارج از کارگاه‌های غیررسمی) منابع مهم اشتغال غیرکشاورزی در این کشورها هستند. در هند اشتغال در کارگاه‌های غیر رسمی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و ۶۹ درصد اشتغال غیرکشاورزی را تشکیل می‌دهد و اشتغال غیررسمی بدون احتساب کارگاه‌های غیررسمی در حدود ۱۴ درصد اشتغال غیرکشاورزی تخمین زده می‌شود. بطور کلی ۸۵ درصد از کل اشتغال غیرکشاورزی در هند در اقتصاد غیررسمی می‌باشد. در آفریقای جنوبی اشتغال غیررسمی (با ۳۲ درصد کل اشتغال غیرکشاورزی در مقایسه با ۱۹ درصد بدون احتساب کارگاه‌های غیر رسمی) منبع مهم اشتغال است.

برای کشورهای مکزیک، کنیا و تونس میزان اشتغال در کارگاه‌های غیر رسمی و اشتغال غیر رسمی حدود ۱/۴ تا ۱/۳ کل اشتغال غیرکشاورزی است.

از اشتغال غیر رسمی عموماً بیش از اشتغال مزدبگیری است و در یک کشور سهم خود اشتغالی و اشتغال مزدبگیری از اشتغال غیر رسمی مساوی است. در آفریقای جنوبی تفاوت سهم خود اشتغالی در اشتغال غیر رسمی بواسطه اعمال تبعیض نژادی و منع داد و ستد سیاه پوستان در بخش‌هایی از این کشور بارز است. با محروم سازی و طرد آفریقای جنوبی سهم خود اشتغالی از امتنان غیررسمی در کشورهای واقع در حوزه جنوبی صحرای آفریقا افزایش می‌یابد.

طبق گزارش ارایه شده از سوی کشورهای شمال آفریقا و آسیا، در سه کشور از ۵ کشور واقع در حوزه صحرای آفریقا و در نیمی از کشورهای آمریکای لاتین خود اشتغالی زنان در بخش غیر رسمی (در فعالیت‌های غیرکشاورزی) در مقایسه با مردان چشمگیر بوده و در مقابل اشتغال مزدبگیری زنان در بخش غیر رسمی کشورهای کنیا، آفریقای جنوبی و در چهار کشور آمریکای جنوبی (برزیل، شیلی، کلمبیا و کاستاریکا) از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این کشورها بیش از نیمی از زنان شاغل در بخش غیررسمی مزدبگیر هستند، علاوه بر این به نظر می‌رسد در کلیه این کشورها به استثناء آفریقای جنوبی زنان در مقایسه با مردان بیشتر مزدبگیر هستند.

برای دومین مجموعه از برآوردها، در کشورهایی که بطور مستقیم اشتغال را در کارگاه‌های غیر رسمی (یعنی بخش غیر رسمی) اندازه‌گیری می‌کنند هم از طریق بررسی‌های خاص بخش غیر رسمی یا از طریق بررسی‌های مختلف (کارگاهی و خانوادگی)، می‌توان از برآورد به روش باقیمانده (مازاد) برای تشخیص اشتغال غیر رسمی در کارگاه‌های غیر رسمی و اشتغال مزدبگیری در بخش غیر رسمی (خارج از کارگاه‌های غیر رسمی) استفاده نمود. (به روش مازاد ۲ در صفحه ۲۶ این فصل مراجعه شود) در چند سال گذشته، ۵ کشور به جمع‌آوری چنین اطلاعاتی اقدام کرده‌اند. در کلیه این کشور اشتغال غیررسمی حداقل نیمی از اشتغال غیرکشاورزی (با نرخ‌های ۵۰ درصد در تونس، ۵۱

جدول ۲/۳- اجزاء اشتغال غیر رسمی به عنوان درصدی از اشتغال غیرکشاورزی ۱۹۹۷-۲۰۰۰

نام کشور	سهم اشتغال غیر رسمی از کل اشتغال غیرکشاورزی (درصد)	سهم اشتغال در کارگاه‌های غیر رسمی نسبت به کل اشتغال غیرکشاورزی (درصد)	سهم اشتغال غیر رسمی (بدون احتساب کارگاه‌های غیر رسمی) نسبت به کل اشتغال غیرکشاورزی (درصد)
هند	۸۳	۶۹	۱۵
مکزیک	۵۵	۲۹	۲۶
کنیا	۷۲	۳۶	۳۵
آفریقای جنوبی	۵۱	۱۹	۳۲
تونس	۵۰	۲۲	۲۸

ماخذ: داده‌های تهیه شده توسط جاکوس چارمز. به باکس برآورد اشتغال غیر رسمی نیز رجوع شود.

خود اشتغالی

بسیاری از کارگران شناسایی شده در فصل اول (کسانی که به کسب و کارهای کوچک، تعمیرات خدماتی، حمل و نقل و فعالیت‌های کوچک صنعتی می‌پردازند) مستقل و تولیدکنندگان خود اشتغال هستند برخی از آنها کارگران خانوادگی یا تعداد معدودی کارگر اضافی را بکار می‌گیرند. در حال

در دو کشور حوزه جنوبی صحرای آفریقا بخش عمده‌ای از زنان کارگر (کنیا با ۶۰ درصد و آفریقای جنوبی با ۵۳ درصد) در بخش غیررسمی فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند (جدول ۲/۴). در مکزیک نیز زنان با ۳۸ درصد سهم بیشتری از اشتغال غیررسمی فعالیت‌های غیرکشاورزی را تشکیل می‌دهند. در هند و تونس به

جدول ۲/۴ - سهم زنان از اشتغال در اقتصاد غیر رسمی ۲۰۰۰ - ۱۹۹۷

نام کشور	سهم زنان از اشتغال غیر رسمی در اقتصاد غیر رسمی (درصد)	سهم زنان از اشتغال غیر رسمی در کارگاههای غیر رسمی (درصد)	سهم زنان از اشتغال غیر رسمی در کارگاههای غیر رسمی خارج از کارگاههای غیر رسمی (درصد)
هند	۲۰	۲۰	۲۰
مکزیک	۳۹	۴۰	۳۸
کنیا	۶۰	۴۲	۷۹
آفریقای جنوبی	۵۳	۴۵	۶۱
تونس	۱۸	۱۵	۲۲

ماخذ: اطلاعات گردآوری شده توسط جاکوس چارمز - به باکس برآورد اشتغال غیر رسمی نیز رجوع شود.

فعال (نیروی کار) بیش از نرخ فعالیت زنان است، مردان نسبت به زنان سهم بیشتری از خوداشتغالی کارگران غیرکشاورزی (۶۴ درصد در برابر ۳۶ درصد) در جهان را به خود اختصاص داده اند (جدول ۲/۶). مورد استثناء فقط آمریکای لاتین است که ۵۱ درصد از خود اشتغالی غیرکشاورزی را زنان و ۴۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهد. برحسب بخش اقتصادی، صرف نظر از فعالیت‌های کشاورزی هم در آفریقا و هم در آسیا در مقایسه با صنعت و خدمات خوداشتغالی در بخش بازرگانی اهمیت بیشتری دارد (جدول ۲-۷).

در آفریقا ۴۷ درصد و در آسیا ۴۴ درصد از اشتغال غیرکشاورزی در بخش بازرگانی است. از سوی دیگر خدمات منبع مهمتری برای خوداشتغالی در آمریکای لاتین است که ۴۵ درصد بخش خدمات را خوداشتغالی تشکیل می‌دهد. این نسبت در آمریکای لاتین و آمریکای مرکزی و جنوبی اندکی بیشتر و در جزایر حوزه کارائیب بطور قابل ملاحظه‌ای کمتر است.

بیشتری برخوردار است. در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ در بسیاری از کشورهای تحت قلمرو جهان در حال توسعه سهم خوداشتغالی زنان در فعالیت‌های غیرکشاورزی در مقایسه با مردان بیشتر بود (جدول ۲/۵). در آفریقا و آمریکای لاتین ۵۰ درصد از زنان برای خود کار می‌کنند در مقابل این نسبت برای مردان ۳۵ درصد است. به‌رحال به علت آنکه سهم مردان از جمعیت

حاضر مجموعه‌ای از جامع‌ترین آمارها در ابعاد اشتغال در اقتصاد غیر رسمی مرتبط با این کارگران خوداشتغال در دسترس است. در صورت نبودن سنجش‌های مستقیمی از کسانی که در اقتصاد غیررسمی بکار گرفته شده‌اند، خود اشتغالی شاخص مهمی از اشتغال در اقتصاد غیررسمی را فراهم می‌نمایند. بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰ میزان خوداشتغالی در جهان از حدود ۱/۴ تا حدود ۱/۳ افزایش یافت (جدول ۲-۵ و ضمیمه ۲).

خوداشتغالی در فعالیت‌های غیرکشاورزی تقریباً در همه نواحی در حال توسعه افزایش یافت. اما در اروپای شرقی اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی از ۱۸ تا ۹ درصد و در کشورهای شرقی آسیا از ۲۳ تا ۱۸ درصد کاهش یافت.

در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۰ در برخی از نواحی در حال توسعه خوداشتغالی نیمی یا بیش از ۵۰ درصد اشتغال غیرکشاورزی را تشکیل می‌داد جالب توجه این‌که به استثنای کشورهای شرق و غرب آسیا که فعالیت‌های خوداشتغالی به ترتیب ۱۸ و ۲۴ درصد است در کشورهای حوزه دریای کارائیب، جنوب آسیا و جنوب صحرای آفریقا بیش از ۳۰ درصد فعالیت‌های غیرکشاورزی نواحی واقع در جهان در حال توسعه را خوداشتغالی تشکیل می‌دهد. در نواحی توسعه یافته که نسبت به خوداشتغالی به فعالیت‌های غیرکشاورزی ۱۲ درصد و کمتر از نواحی در حال توسعه است.

خوداشتغالی به عنوان منشاء اشتغال در میان زنان کارگر در مقایسه با کارگران مرد از اهمیت

جدول ۲/۵ - نسبت خود اشتغالی از اشتغال غیر کشاورزی

۱۹۹۰-۲۰۰۰			۱۹۸۰-۱۹۸۹			ناحیه
مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	
۲۷	۳۴	۳۲	۲۵	۲۸	۲۶	جهان
۱۴	۱۰	۱۲	۱۴	۱۱	۱۳	نواحی توسعه یافته
۱۱	۷	۹	۲۱	۱۵	۱۸	اروپای شرقی
۱۷	۱۱	۱۴	۱۴	۱۰	۱۲	اروپای غربی
۱۲	۹	۱۱	۱۱	۹	۱۰	سایر کشورهای توسعه یافته
۳۷	۵۳	۴۸	۲۷	۵۸	۴۴	آفریقا
۲۸	۳۸	۳۱	۲۲	۲۳	۲۳	آفریقای شمالی
۴۰	۵۷	۵۳	۴۱	۶۹	۵۰	کشورهای حوزه جنوبی صحرای آفریقا
۳۵	۵۴	۴۴	۲۷	۳۰	۲۹	آمریکای لاتین
۲۹	۵۴	۴۰	۲۷	۳۲	۳۰	آمریکای مرکزی
۳۸	۵۱	۴۳	۲۹	۲۹	۲۹	آمریکای جنوبی
۴۳	۶۷	۵۵	۲۵	۲۸	۲۷	کشورهای حوزه دریای کارائیب
۳۰	۳۲	۳۲	۲۶	۲۴	۲۶	آسیا
۱۶	۲۶	۱۸	۲۴	۲۰	۲۳	شرق آسیا
۲۴	۴۰	۳۳	۲۱	۲۷	۲۴	جنوب شرقی آسیا
۴۸	۵۵	۵۰	۴۰	۲۸	۴۰	جنوب آسیا
۲۳	۱۰	۲۴	۱۴	۶	۱۳	غرب آسیا

ماخذ: داده‌های تهیه شده توسط جاکوس چارمز - به یادداشت فنی مندرج در ضمیمه ۲ نیز مراجعه شود.

جدول ۲/۶- سهم زنان و مردان در خوداشتغالی غیرکشاورزی

منطقه		۱۹۹۰-۲۰۰۰	
مردان	زنان	مردان	زنان
۶۴	۳۶	۶۴	۳۶
۶۲	۳۸	۶۲	۳۸
۷۲	۲۸	۷۲	۲۸
۵۹	۲۸	۵۹	۲۸
۴۹	۵۱	۴۹	۵۱
۷۳	۲۷	۷۳	۲۷

ماخذ: تهیه داده‌های گردآوری شده توسط جاکوس چارمز- به تذکر فنی مندرج در ضمیمه ۲ نیز مراجعه شود.

بخش غیررسمی و تولید ناخالص داخلی
هنوز برآوردی از سهم اقتصاد غیررسمی (در قالب یک واحد کامل) از تولید ناخالص داخلی GDP وجود ندارد. اما برآوردهایی در مورد نسبت سهم بخش غیررسمی به تولید ناخالص داخلی وجود دارد. این برآوردها نشان می‌دهند که سهم کارگاه‌های غیررسمی (یعنی بخش غیررسمی) در ایجاد ارزش افزوده بخش کشاورزی حایز اهمیت است (جدول ۲). متوسط (ناموزون) این سهم در آفریقای شمالی کمتر از ۲۷ درصد و در کشورهای جنوب صحرای آفریقا تا بیش از ۴۱ درصد متفاوت است.

این واقعیت که تعداد بیشتری از کشورهای جنوب صحرای آفریقا چنین برآوردهایی دارند نشان دهنده اهمیت بخش غیررسمی در کل تولید ناخالص داخلی است. سهم بخش غیررسمی به تولید ناخالص داخلی برای آمریکای لاتین ۲۹ درصد و برای آسیا ۴۱ درصد است. اگر چه در میان کشورهایی که آمار سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص داخلی را منتشر

نسبتاً بیشتری انعکاس می‌یابد (به فصل سوم رجوع می‌شود). در جنوب آسیا به عنوان یک واحد کامل شامل کشورهای نظیر بنگلادش، هندوستان و پاکستان، ۶۰ درصد یا بیش از آن زنانی هستند که در فعالیتهای غیرکشاورزی بخش صنعت برای خودکار می‌کنند، اما این نسبت در شرق آسیا و جنوب شرقی آسیا کمتر از ۲۰ درصد است، خوداشتغالی در صنعت برای زنان نیز در آفریقای شمالی حایز اهمیت است. تجارت مهمترین منبع اشتغال در میان زنان خوداشتغال در کشورهای جنوب صحرای آفریقا (۶۰ درصد خوداشتغالان غیرکشاورزی) و برای زنان در جزایر کارائیب ۵۱ درصد است. در آمریکای لاتین برای زنان خوداشتغال بخش خدمات حایز اهمیت است به‌ویژه در آمریکای مرکزی که ۶۴ درصد زنان خود اشتغال در بخش خدمات هستند. این نسبت در آمریکای جنوبی ۶۰ درصد و شرق آسیا نیز ۴۸ درصد می‌باشد.

در درون مناطق تحت قلمرو، اهمیت خوداشتغالی زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی اختلاف زیادی در مقایسه با مردان دارد. هنجارهای اجتماعی که از تحرک زنان جلوگیری می‌کنند اغلب در داد و ستد خیابانی زنان در حوزه نسبتاً کمتری و در کار زنان در خانه به‌ویژه تولید محصولات صنعتی در حوزه

جدول ۲/۷- درصد توزیع خوداشتغالی غیرکشاورزی بر حسب بخش اقتصادی ۱۹۹۰-۲۰۰۰

منطقه	صنعت			بازرگانی			خدمات		
	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل	مردان	زنان	کل
جهان	۲۳	۲۵	۳۰	۳۵	۳۹	۳۸	۳۳	۳۶	۳۳
مناطق توسعه یافته	۳۷	۱۹	۳۳	۲۹	۴۱	۳۱	۳۶	۴۰	۳۶
اروپای شرقی	۴۶	۲۹	۴۴	۲۶	۴۳	۲۶	۲۸	۲۹	۲۸
اروپای غربی	۳۲	۱۴	۲۷	۳۲	۴۴	۳۶	۳۶	۴۱	۳۶
سایر کشورهای توسعه یافته	۳۵	۱۵	۲۸	۲۶	۳۳	۲۹	۳۹	۵۲	۳۹
آفریقا	۳۲	۲۹	۳۲	۴۵	۵۱	۴۷	۲۳	۲۰	۲۳
آفریقای شمالی	۲۰	۵۲	۳۳	۵۲	۲۶	۴۰	۲۸	۲۲	۲۸
جنوب صحرای آفریقا	۳۶	۲۱	۳۲	۴۲	۶۰	۴۹	۲۲	۱۹	۲۲
آمریکای لاتین	۳۲	۱۴	۲۴	۲۷	۲۷	۳۱	۴۰	۵۸	۴۰
آمریکای مرکزی	۳۱	۱۶	۲۴	۲۶	۲۰	۲۷	۴۴	۶۴	۴۴
آمریکای جنوبی	۳۳	۱۴	۲۵	۲۶	۲۶	۲۹	۴۱	۶۰	۴۱
حوزه دریای کارائیب	۳۵	۸	۱۹	۳۵	۵۱	۴۸	۳۰	۴۱	۳۳
آسیا	۲۸	۴۱	۲۷	۴۲	۳۳	۴۴	۳۲	۲۵	۳۲
شرق آسیا	۲۷	۱۲	۲۱	۴۰	۳۳	۵۱	۳۷	۴۸	۳۷
جنوب شرقی آسیا	۲۰	۱۶	۱۸	۵۷	۵۱	۵۱	۴۵	۱۸	۴۵
جنوب آسیا	۳۴	۶۱	۳۸	۱۷	۲۸	۲۸	۲۴	۲۳	۲۴
غرب آسیا	۲۷	۴۲	۲۷	۲۸	۲۸	۴۲	۳۰	۳۰	۳۰

جدول ۲/۸ - سهم بخش غیررسمی از تولید ناخالص داخلی در چند کشور منتخب در حال توسعه

کشور	سال	سهم فعالیت‌های غیرکشاورزی در تولید ناخالص داخلی (درصد)
کشورهای افریقایی		۲۷
افریقای شمالی		۲۶
الجزایر	۱۹۹۷	۳۱
مراکش	۱۹۸۶	۲۳
تونس	۱۹۹۵	۴۱
کشورهای حوزه جنوب صحرای افریقا		۴۳
بنین	۱۹۹۳	۳۶
بورکینافاسو	۱۹۹۲	۴۴
بروندی	۱۹۹۶	۴۲
کامرون	۱۹۹۵-۹۶	۴۵
کوت د‌یووری	۱۹۹۵	۳۰
غنا	۱۹۹۸	۵۸
گینه بیسائو	۱۹۹۵	۳۰
کنیا	۱۹۹۹	۲۵
مالی	۱۹۸۹	۴۲
موزامبیک	۱۹۹۴	۳۹
نیجر	۱۹۹۵	۵۴
سنگال	۱۹۹۱	۴۱
تانزانیا	۱۹۹۱	۴۳
توگو	۱۹۹۵	۵۵
زامبیا	۱۹۹۸	۲۴
امریکای لاتین		۲۹
کلمبیا	۱۹۹۲	۲۵
مکزیک	۱۹۹۸	۱۳
پرو	۱۹۹۷	۴۹
آسیا		۳۱
هند	۱۹۹۰-۹۱	۴۵
اندونزی	۱۹۹۸	۳۱
فیلیپین	۱۹۹۵	۳۲
جمهوری کره	۱۹۹۵	۱۷

مآخذ: داده‌های تهیه شده توسط جاکوس چارمز - به برآوردهای سهم بخش غیررسمی و تولید ناخالص ملی (باکس مربوطه) رجوع شود

کرده‌اند از ۱۳ درصد در مکزیک تا ۵۸ درصد در غنا اختلاف زیادی وجود دارد. این آمار نه تنها مبین تفاوت‌هایی در سهم واقعی بخش غیررسمی به تولید ناخالص داخلی است بلکه تفاوت‌های مورد استفاده در روش‌های تهیه برآورد را نیز نشان می‌دهد. (به باکس برآورد سهم بخش غیررسمی از تولید ناخالص داخلی مراجعه شود).

داده‌های آماری که امکان تجزیه و تحلیل سهم زنان و مردان در فعالیت‌های غیرکشاورزی بخش غیررسمی را ارایه می‌کند فقط برای ۹ کشور در دسترس است (جدول ۹-۲). سهم زنان در بورکینافاسو، چاد و مالی بیش از مردان است. سهم نسبتاً بالای زنان در بورکینافاسو به سبب دخالت دادن سهم فعالیت‌های ثانوی در حساب‌های رسمی است که اساساً این نوع فعالیت‌ها برای زنان غیرکشاورزی و برای مردان فعالیت کشاورزی محسوب می‌شود. در کنیا و فیلیپین سهم زنان در فعالیت‌های غیرکشاورزی بخش غیررسمی از مردان کمتر و در کشور تونس، اندونزی و هند بطور مداوم پایین تر بوده است.

برآورد سهم بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی

براساس نظام حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ (SNA)^{۱۱} بخش غیررسمی به عنوان گروهی از واحدهای تولیدی محسوب می‌شود که قسمتی از بخش خانگی را تشکیل می‌دهد. به‌رحال در نظام حساب‌های ملی کل سهم بخش موسسه‌ای خانوادگی را نمی‌توان به بخش غیررسمی نسبت داد و «تولید برای مصرف نهایی خود» را شامل نمی‌گردد. این امر بدین معناست که «مال الاجاره» پرداختی به خدمات خانگی و کشاورزی معیشتی در نظام حساب‌های ملی محاسبه نمی‌شوند. برآورد سهم بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی مستلزم این است که حساب‌های بخش موسسه‌ای خانوادگی بر حسب هر یک از واحدهای صنعتی به تفصیل در دسترس باشند. شرط تحقق این امر مشخص کردن فعالیت‌های کشاورزی و سایر فعالیت‌های اولیه همچنین برآورد مال الاجاره ها و خدمات خانگی است.

جدول ۲/۹- سهم اشتغال زنان و مردان در فعالیتهای غیر کشاورزی بخش غیررسمی

نسبت تولید ناخالص داخلی فعالیت‌های غیر کشاورزی مردان در بخش غیر رسمی به کل تولید ناخالص داخلی بخش غیر کشاورزی	نسبت تولید ناخالص داخلی فعالیت‌های غیر کشاورزی زنان در بخش غیر رسمی به کل تولید ناخالص داخلی بخش غیر کشاورزی	نسبت تولید ناخالص داخلی فعالیت‌های غیر کشاورزی بخش غیر رسمی به کل تولید ناخالص داخلی بخش غیر کشاورزی	نام کشور / سال
۲۱	۲۲	۴۳	آفریقا
۷	۲۹	۳۶	بنین ۱۹۹۲
۱۷	۲۸	۴۵	بورکینافاسو ۱۹۹۲
۱۶	۱۱	۲۵	چاد ۱۹۹۳
۱۴	۲۶	۴۲	کنیا ۱۹۹۸
۱۹	۴	۲۳	مالی ۱۹۸۹
۱۸	۱۰	۴۷	تونس ۹۶-۱۹۹۴
۲۲	۱۵	۳۷	آسیا
۲۶	۱۴	۳۳	هند ۱۹۹۳
			اندونزی ۱۹۹۸
			فیلیپین ۱۹۹۵

حال حاضر سهم روزافزونی از نیروی کار در کشورهای توسعه یافته تحت سیستم غیر استاندارد، شامل کار پاره وقت، کارموقت و خود اشتغالی به رسمیت شناخته شده است هم چنان که با اشتغال غیر رسمی در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از این مقررات غیر استاندارد، مزایای کارگری و حمایت‌های اجتماعی بطور محدود ارایه می‌گردد (به باکس مربوط به اندازه‌گیری اشتغال در اقتصاد غیررسمی کشورهای توسعه یافته مراجعه شود).

نظام غیر استاندارد اشتغال مهم هستند و حتی در کشورهای توسعه یافته در حال افزایش می‌باشند. در سال ۱۹۸۸، رویه هم رفته در ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا ۱/۴ کل اشتغال را نظام غیر استاندارد (شامل اشتغال پاره وقت، اشتغال موقت و خوداشتغالی در صنایع غیر کشاورزی) تشکیل می‌داد. تا سال ۱۹۹۸ اشتغال غیر استاندارد در این کشورها تا حدود ۳۰ درصد کل اشتغال افزایش یافته بود. تخمین‌های آماری بعمل آمده در مورد آمریکا نیز نشان می‌دهد که حدود ۲۵ درصد از نیروی کار تحت مقررات غیراستاندارد اشتغال قرار دارند. این مقررات شامل کارگرانی می‌شود که تحت شرایط ذیل استخدام می‌شوند:

بخش غیر رسمی در تولید ناخالص داخلی اغلب با تهیه نخستین حساب‌های ملی در کشور همراه بود. در کشورهای آسیایی نگرانی برای اندازه‌گیری تولید بخش غیررسمی جدی تر است. در حال حاضر هند، اندونزی و فیلیپین چنین برآوردهایی را بر پایه‌ای منظم انجام می‌دهند. مکزیک اولین کشور آمریکای لاتین در اجرای نظام جدید حساب‌های ملی بود و ابتکار ایجاد یک حساب ماهواره‌ای (همراه) را برگزید. کشور پر سهم بخش موسسات خانوادگی را در کل تولید کارآفرینان فردی بر آورد نموده است که می‌تواند به عنوان متغیر جانشین برای سهم بخش غیررسمی نسبت به تولید ناخالص داخلی عمل نماید. برای مناطق شهری کلمبیا نیز یک برآورد تجربی در دسترس می‌باشد.

اقتصاد غیررسمی در کشورهای توسعه یافته

در سال‌های جنگ جهانی دوم با گسترش تولید انبوه استاندارد و وجود شرکت‌های بزرگ در اروپا، ژاپن، کره و ایالات متحده آمریکا به نظر می‌رسد گویی اکثر کارگران در، مشاغل استاندارد مزدبگیری و اشتغال مبتنی بر مزایا و حمایت‌های اجتماعی فعالیت داشته اند. بهر حال در

اگر چه نظام حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ چارچوبی را برای تشخیص بخش غیررسمی در درون بخش خانگی را فراهم ساخت اما این نظام خط‌مشی‌های خاصی را برای گردآوری برآوردهای مستقل در زمینه بخش غیررسمی را فراهم نمود، (جدول ۸-۲) برآوردهای تجربی درخصوص سهم بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی چند کشور را نشان می‌دهد. برآوردهای برخی از کشورهای رسمی هستند. سایر برآوردها مبتنی بر داده‌های رسمی بوده و با برآوردهای رسمی تفاوت دارند زیرا در نظام حساب‌های ملی برخی از فعالیت‌ها مستثنی می‌شوند، برخی از برآوردهای رسمی حذف شده یا اطلاعات تفصیلی که در مهیا نمودن حساب‌های رسمی بکار می‌رود در دسترس نمی‌باشد.

همانگونه که در جدول ۲/۸ نشان داده شده است، آفریقا منطقه ای است که در آن بیشترین تعداد برآوردها در دسترس می‌باشد. در این منطقه در ابتدا تصور بر این بود که بخش غیررسمی سهم مهمی از کل تولید ناخالص داخلی را داشته و به همان اندازه تولید در بخش رسمی نسبتاً ضعیف باشد. تلاش‌های بعمل آمده برای شامل شدن برآوردهای سهم

کاره پاره وقت، کار کمکی موقتی، کارمزدبگیری مستقیم و موقتی (یا دوره زمانی ثابت)، کارگران آماده به خدمت، قرارداد مستقل و قرارداد شرکتی در عین حال با آنکه کار غیر استاندارد در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ در آمریکا بطور چشمگیری افزایش یافت اما درصد کارگرانی که تحت مقررات غیر استاندارد بکارگمارده شدند بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱ افزایش نیافت.

اطلاعات جامع و قابل مقایسه ای در مورد میزان اشتغال غیر استاندارد در کشورهای توسعه یافته وجود ندارد. دلیل این امر تا حدودی به علت ارایه تعاریفی است که در مورد کارهای مختلف غیر استاندارد صورت گرفته و این داده‌ها در همه کشورها قابل مقایسه نیستند. همچنین علت آن است که معدودی از کشورها، داده‌هایی از تمامی مقوله‌های کار غیر استاندارد را جمع‌آوری می‌کنند. بطور مثال در مورد برخی از اشکال جدید اشتغال مثل خدماتی که توسط شرکت‌های خدماتی بر اساس قرارداد فی ما بین به دیگر شرکت‌ها ارایه می‌شود، قراردادهای فرعی بین شرکت‌ها یک نظام نسبتاً جدید کاری است که در بخش‌های دارای رشد سریع پدیدار شده است و خدمات کاربر را به سایر تجار یا موسسات دولتی (مثل خدمات سرایداری) فراهم می‌نماید.

به فرض آنکه داده‌های جامعی در زمینه اشتغال غیر استاندارد وجود دارد، تقاضای زیادی برای آندسته از مقوله‌های کار غیر استاندارد که می‌بایست همانند اشتغال غیر رسمی طبقه بندی شوند به وجود می‌آید. همه مقوله‌های کارگران غیر استاندارد بر حسب آنکه مزایای کارگری در مورد آنان اعمال می‌گردد و حمایت‌های اجتماعی به سطحی از کارگران غیر استاندارد که کارگران غیر رسمی هستند شامل آنان می‌گردد و یا خیر، نیاز به طبقه‌بندی شدن دارند.

اندازه‌گیری اشتغال در اقتصاد غیر رسمی کشورهای توسعه یافته

اشتغال در اقتصاد غیر رسمی کشورهای توسعه یافته به مقرراتی از اشتغال مربوط است که بین کارگران و ساختار بخش رسمی ارتباطات کنگره ای وجود دارد و در هر صورت می‌بایست اندک دسترسی به حقوق اساسی کار و مزایا و حمایت‌های اجتماعی

مبتنی بر اشتغال وجود داشته باشد. مقوله‌های ویژه ذیل به مقررات اشتغال غیر رسمی مرتبط هستند:

- اشتغال پاره وقت در موسسات رسمی
- اشتغال موقت در موسسات رسمی
- خود اشتغالی به‌ویژه کارگرانی که به حساب خویش و بدون استفاده از مستخدمی کار می‌کنند
- کارهای پیمانکاری فرعی بین شرکتی
- آندسته از کارهای صنعتی که خارج از کارگاه انجام می‌شود، شامل کارگاه‌های خانگی
- کارهای بهره‌کشی
- کارهای روزمزدی

داده‌های آماری در مورد اولین مقوله‌های سه‌گانه در این بخش به منظور فراهم نمودن یک برآورد جانشین در مورد اندازه و ترکیب اقتصاد غیر رسمی در کشورهای توسعه یافته مورد بازنگری قرار می‌گیرند. دلیل این امر وجود آمار کارهای پیمانکاری فرعی بین شرکتی برای آمریکا است و داده‌های آماری در خصوص کارهای صنعتی که خارج از کارگاه انجام می‌شود، کارهای استثماری و کارهای روزمزدی است که به آسانی در دسترس قرار نمی‌گیرد.

برای دستیابی به برآوردهای دقیقی از اشتغال در اقتصاد غیر رسمی در کشورهای توسعه نیافته به دو نوع اطلاعات اضافی است: اطلاعاتی در خصوص مقوله‌های کار غیر استاندارد، و اطلاعاتی در خصوص دسترسی به مزایای کارگری و حمایت‌های اجتماعی موجود در کل موارد کار غیر استاندارد. بطور مثال برخی از کارگران پاره وقت و کارگران موقت در کشورهای توسعه یافته از مزایا و پوشش تامین اجتماعی استفاده می‌کنند. همچنین متخصصین و تکسین‌های خوداشتغال که در کشورهای توسعه یافته اغلب توانایی مشارکت در برنامه‌های خصوصی سازی تامین اجتماعی را دارند. آندسته از مقوله‌های کار غیر استاندارد نظیر موارد یاد شده که مشمول دریافت حمایت‌های اجتماعی هستند. یا می‌توانند حق بیمه اجتماعی را پرداخت نمایند در حوزه اشتغال غیر رسمی قرار نمی‌گیرند

برخی از کارگران پاره وقت و موقت تحت پوشش حمایت‌های اجتماعی و قانون کار هستند در حالی که برخی نیز مشمول این مقررات نیستند. این موارد بر حسب کشور متفاوت است. برخی از خود اشتغالان حق دارند و می‌توانند از عهده پرداخت حمایت‌های اجتماعی خود برآیند (به بحث مزایای تحت هر مقوله کارگر مراجعه شود). در حال حاضر، داده‌های آماری در زمینه مقوله‌های معین (بالاخص کار پاره‌وقت، کار موقت و خود اشتغالی) می‌تواند در تمامی ملیت‌ها مورد مقایسه قرار گیرد که ذیلاً ارایه شده است. همچنین برخی از داده‌های آماری در خصوص حمایت اجتماعی که در دسترس این کارگران است در زیر مورد تحلیل قرار گرفته است. به هر حال از کارافتادگی منظم و جامع نیروی کار غیر استاندارد بر حسب این که از مزایای کارگری برخوردار باشند و مشمول حمایت‌های اجتماعی قرار داشته باشند یا خیر، هنوز در دسترس نمی‌باشد. □

پانویس

- ۱- OECD: Organization for Economic Cooperation and Development
- ۲- ILO : International Labour Organization
- ۳- ICLS : International Conference of Labour Statisticians
- ۴- GDP :
- ۵- ماخذ: گزارش پانزدهمین کنفرانس آمار شناسان کار سازمان بین‌المللی کار، ژنو ۱۹۹۳
- ۶- SEWA : Self_Employed Women's Association
- ۷- WIEGO : Women Informal Employment : Globalizing and Organizing
- ۸- NCAER : National Council of Applied Economics Research
- ۹- NSSO : National Sample Survey Office
- ۱۰- NAFTA : North America Free Trade Agreement
- ۱۱- SNA : System of National Accounts